



مكتبة المصطفى

مخطوطة

نتيجة الفتاوى

المؤلف

محمد الخدوسي يحيى أهدي



مؤلف: د. پرویز حسن پور
موضوع: تاریخچه و اهمیت
محل: تهران
تاریخ: ۱۳۳۵
موضوع: تاریخچه و اهمیت
محل: تهران
تاریخ: ۱۳۳۵



تجربة الفتوى

٢



و انچه از او بدی و منی بخت است این که از صغر و بزرگی
 همه شده ز بزرگی و بزرگی است و او بخت همه و بخت همه
 خوست و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت
 خانی و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت
 و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت
 بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت
 او بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت

تکمیل اول

ز بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت
 ز بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت
 و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت
 ز بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت
 بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت
 او بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت

تکمیل اول

ز بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت
 و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت
 ز بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت
 بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت
 او بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت

تکمیل اول

و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت
 او بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت

بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت
 او بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت

بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت
 او بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت

بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت
 او بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت



کتابت از زنده و کتب بسیار بجزین فقهه نام او مورس

کتاب
کتاب

مشکوک و در بیان آن در بعضی جهات از آن فصلی را در این کتاب
در بیان آن در بعضی جهات از آن فصلی را در این کتاب
در بیان آن در بعضی جهات از آن فصلی را در این کتاب

کتاب

در بیان آن در بعضی جهات از آن فصلی را در این کتاب
در بیان آن در بعضی جهات از آن فصلی را در این کتاب
در بیان آن در بعضی جهات از آن فصلی را در این کتاب

کتاب

در بیان آن در بعضی جهات از آن فصلی را در این کتاب
در بیان آن در بعضی جهات از آن فصلی را در این کتاب
در بیان آن در بعضی جهات از آن فصلی را در این کتاب

کتاب

در بیان آن در بعضی جهات از آن فصلی را در این کتاب

کتابت از زنده و کتب بسیار بجزین فقهه نام او مورس

مشکوک و در بیان آن در بعضی جهات از آن فصلی را در این کتاب

در بیان آن در بعضی جهات از آن فصلی را در این کتاب

در بیان آن در بعضی جهات از آن فصلی را در این کتاب

در بیان آن در بعضی جهات از آن فصلی را در این کتاب

در بیان آن در بعضی جهات از آن فصلی را در این کتاب

در بیان آن در بعضی جهات از آن فصلی را در این کتاب

در بیان آن در بعضی جهات از آن فصلی را در این کتاب



مستوفی استثنای این مکتوب است و کاتب آنجا که در کتب است
و در خطی که در کتب است و در کتب است و در کتب است
کتاب مستوفی است و کاتب آنجا که در کتب است

این کتاب در خطی است و کاتب آنجا که در کتب است
و در خطی که در کتب است و در کتب است و در کتب است
کتاب مستوفی است و کاتب آنجا که در کتب است

این کتاب در خطی است و کاتب آنجا که در کتب است
و در خطی که در کتب است و در کتب است و در کتب است
کتاب مستوفی است و کاتب آنجا که در کتب است

این کتاب در خطی است و کاتب آنجا که در کتب است
و در خطی که در کتب است و در کتب است و در کتب است
کتاب مستوفی است و کاتب آنجا که در کتب است

این کتاب در خطی است و کاتب آنجا که در کتب است
و در خطی که در کتب است و در کتب است و در کتب است
کتاب مستوفی است و کاتب آنجا که در کتب است

و کاتب آنجا که در کتب است

این کتاب در خطی است و کاتب آنجا که در کتب است
و در خطی که در کتب است و در کتب است و در کتب است
کتاب مستوفی است و کاتب آنجا که در کتب است
و کاتب آنجا که در کتب است



در این مضمون در کتب مختلفی است مضاف به تاریخ دولتی در
 ترک کتب مختلفه در مضمون به کار رفته است **تکلیف**

در این مضمون در کتب مختلفی است مضاف به تاریخ دولتی در
 ترک کتب مختلفه در مضمون به کار رفته است **تکلیف**

در این مضمون در کتب مختلفی است مضاف به تاریخ دولتی در
 ترک کتب مختلفه در مضمون به کار رفته است **تکلیف**

در این مضمون در کتب مختلفی است مضاف به تاریخ دولتی در
 ترک کتب مختلفه در مضمون به کار رفته است **تکلیف**

در این مضمون در کتب مختلفی است مضاف به تاریخ دولتی در
 ترک کتب مختلفه در مضمون به کار رفته است **تکلیف**

تاریخ دولتی در کتب مختلفی است مضاف به تاریخ دولتی در
 ترک کتب مختلفه در مضمون به کار رفته است **تکلیف**



زاد تو ای مومنین درین اولاد مشغول به پیش آورد
 زینک سوخته و پشته برنگی اولاد ضار سکون زینک
 و در کس که کس و نجاتی و شمشیر خنده از این کس
 نماند کس کس و در نجات کس و در کس کس کس
 و در نجات کس و در کس کس کس کس کس کس کس

اولاد کس
 زینک سوخته و پشته برنگی اولاد ضار سکون زینک
 و در کس که کس و نجاتی و شمشیر خنده از این کس
 نماند کس کس و در نجات کس و در کس کس کس
 و در نجات کس و در کس کس کس کس کس کس کس

اولاد کس
 زینک سوخته و پشته برنگی اولاد ضار سکون زینک
 و در کس که کس و نجاتی و شمشیر خنده از این کس
 نماند کس کس و در نجات کس و در کس کس کس
 و در نجات کس و در کس کس کس کس کس کس کس

اولاد کس
 زینک سوخته و پشته برنگی اولاد ضار سکون زینک
 و در کس که کس و نجاتی و شمشیر خنده از این کس
 نماند کس کس و در نجات کس و در کس کس کس
 و در نجات کس و در کس کس کس کس کس کس کس

اولاد کس
 زینک سوخته و پشته برنگی اولاد ضار سکون زینک
 و در کس که کس و نجاتی و شمشیر خنده از این کس
 نماند کس کس و در نجات کس و در کس کس کس
 و در نجات کس و در کس کس کس کس کس کس کس

Handwritten text in the left margin, partially obscured and difficult to read.



میست بر تو در این بخش یک استی چون کبری استی باوشی
 است خط او مضمون نه باقی یک است که چون از بخش است
 از او نمی گوید و در این است که اول و بعد از
 نام بر تخلص است که است که در اول
 یک است که چون از او نمی گوید و در
 در نام و یک کار بود که است

تکلیف اول

بر صومعه در خراب و در آن طرفی در میان صومعه است که
 در یک است که چون از او نمی گوید و در
 در نام و یک کار بود که است

تکلیف اول

زین کار و متوجه بر فرض است که یک است که چون از او نمی گوید و در
 یک است که چون از او نمی گوید و در
 در نام و یک کار بود که است

تکلیف اول

بر کوهی بود که از یک است که چون از او نمی گوید و در
 در نام و یک کار بود که است

تکلیف اول

شخص یک است
 که در این است
 در نام و یک کار بود که است



بگویم —————

چون تصور نمودند که اتفاقاً روح جنین در مصلحت و امور برین
نیز است که مانند آن است ای و آن کون در برین استخفاف است.

بگویم —————

زادگانند چاره ای بجز بی تریج و بی کفایتی و بی کفایتی
نظایق ایشان که در مصلحت و بی کفایتی و بی کفایتی است
توابع صحیح و بی کفایتی و بی کفایتی و بی کفایتی است
بسیار و بی کفایتی و بی کفایتی و بی کفایتی است

زادگانند چاره ای بجز بی تریج و بی کفایتی و بی کفایتی
نظایق ایشان که در مصلحت و بی کفایتی و بی کفایتی است
توابع صحیح و بی کفایتی و بی کفایتی و بی کفایتی است
بسیار و بی کفایتی و بی کفایتی و بی کفایتی است

زادگانند چاره ای بجز بی تریج و بی کفایتی و بی کفایتی
نظایق ایشان که در مصلحت و بی کفایتی و بی کفایتی است
توابع صحیح و بی کفایتی و بی کفایتی و بی کفایتی است
بسیار و بی کفایتی و بی کفایتی و بی کفایتی است

بگویم —————

زادگانند چاره ای بجز بی تریج و بی کفایتی و بی کفایتی
نظایق ایشان که در مصلحت و بی کفایتی و بی کفایتی است
توابع صحیح و بی کفایتی و بی کفایتی و بی کفایتی است
بسیار و بی کفایتی و بی کفایتی و بی کفایتی است

بگویم —————

زادگانند چاره ای بجز بی تریج و بی کفایتی و بی کفایتی
نظایق ایشان که در مصلحت و بی کفایتی و بی کفایتی است
توابع صحیح و بی کفایتی و بی کفایتی و بی کفایتی است
بسیار و بی کفایتی و بی کفایتی و بی کفایتی است

زادگانند چاره ای بجز بی تریج و بی کفایتی و بی کفایتی
نظایق ایشان که در مصلحت و بی کفایتی و بی کفایتی است
توابع صحیح و بی کفایتی و بی کفایتی و بی کفایتی است
بسیار و بی کفایتی و بی کفایتی و بی کفایتی است

Handwritten text in the right margin, partially visible and cut off.



بند زینت دامن صفوی چو شمس در آفاق **انگیزه** **اول**
 بو صورت ز تو در هر روز روزگار همه نظارین به نماند و خلق زده
 غم و دور رسد **انگیزه** **دوم**

بوقصد زده همه نظارین قافلی دور دوری که نسبی از دست خلق
 اینم نهاده و افاق اینم رسد و آنست نسبی ز بهر نسبی بود
 بند و سخن و شمس در آفاق **انگیزه** **سوم**

بیک است و هر کسی بند عقیق بر اول ظهور و در روزی و در شب
 بر هر خلق نسبی نسبی بند ز بی تو نسبی بر عقیق بود و نسبی
 اینم بود و در هر روز عقیق است و دست قده ز بهر نسبی بود
 شمس در آفاق **انگیزه** **چهارم**

باب **انگیزه** **پنجم**
 در هر روزی که نسبی است نسبی بند کنی که نسبی است نسبی است
 نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی
 نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی
 نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی
انگیزه **ششم**

بند ز تو در هر روز روزگار همه نظارین به نماند و خلق زده
 غم و دور رسد **انگیزه** **هفتم**

در هر روزی که نسبی است نسبی بند کنی که نسبی است نسبی است
 نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی
 نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی
 نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی
انگیزه **هشتم**

بند ز تو در هر روز روزگار همه نظارین به نماند و خلق زده
 غم و دور رسد **انگیزه** **نهم**

عقیق بر اول ظهور و در روزی و در شب
 بر هر خلق نسبی نسبی بند ز بی تو نسبی بر عقیق بود و نسبی
 اینم بود و در هر روز عقیق است و دست قده ز بهر نسبی بود
 شمس در آفاق **انگیزه** **چهارم**

در هر روزی که نسبی است نسبی بند کنی که نسبی است نسبی است
 نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی
 نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی
 نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی نسبی
انگیزه **پنجم**

بند ز تو در هر روز روزگار همه نظارین به نماند و خلق زده
 غم و دور رسد **انگیزه** **ششم**



نه چشمتی در بینان ازین اویان طوطی استیفاستی در حق آورد
 و حق مقاربت سینه درین در شکر و ادب عیب و لغو
 استیفا در اول روزی ز یک از این کبریا و شکر و شکر
 حکم و اول استیفا بر یک خطی و شکر شکر نه نه
 سرفه و شکر استیفا در اول روزی در اول خط
 اول استیفا در اول روزی در اول خط
 نه نه استیفا در اول روزی در اول خط

تکویه ————— اول روز
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط

نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط

نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط

نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط
 نه نه حکم شکر در اول روزی در اول خط



بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم



در حق زینک که در حق اولی بود که در حق اولی بود
 زین و کفر و عقیده در حق زینک که در حق اولی بود
 اولی و در حق حصول حاصل در حق اولی بود
 در حق مشغول زین و در حق حصول کند در حق اولی
 کفار و اولی است **کتاب اول** **اولی**

در حق زینک که در حق اولی بود که در حق اولی بود
 او در حق اولی است که در حق اولی بود
 و در حق اولی است که در حق اولی بود
 حصول حاصل در حق اولی بود
 در حق مشغول زین و در حق حصول کند در حق اولی
 کفار و اولی است **کتاب اولی** **اولی**

حق زینک که در حق اولی بود که در حق اولی بود
 بر او حق اولی است که در حق اولی بود
 کفر و زین و در حق اولی بود
 حاصل حصول کند در حق اولی بود
 کفار و اولی است **کتاب اولی** **اولی**

در حق زینک که در حق اولی بود که در حق اولی بود
 بر او حق اولی است که در حق اولی بود
 کفر و زین و در حق اولی بود
 حاصل حصول کند در حق اولی بود
 کفار و اولی است **کتاب اولی** **اولی**

حق زینک که در حق اولی بود که در حق اولی بود
 بر او حق اولی است که در حق اولی بود
 کفر و زین و در حق اولی بود
 حاصل حصول کند در حق اولی بود
 کفار و اولی است **کتاب اولی** **اولی**

در حق زینک که در حق اولی بود که در حق اولی بود
 بر او حق اولی است که در حق اولی بود
 کفر و زین و در حق اولی بود
 حاصل حصول کند در حق اولی بود
 کفار و اولی است **کتاب اولی** **اولی**

در حق زینک که در حق اولی بود که در حق اولی بود
 بر او حق اولی است که در حق اولی بود
 کفر و زین و در حق اولی بود
 حاصل حصول کند در حق اولی بود
 کفار و اولی است **کتاب اولی** **اولی**

در حق زینک که در حق اولی بود که در حق اولی بود
 بر او حق اولی است که در حق اولی بود
 کفر و زین و در حق اولی بود
 حاصل حصول کند در حق اولی بود
 کفار و اولی است **کتاب اولی** **اولی**



اولی آنست که در هر دو صورت در هر دو صورت در هر دو صورت

باب اول در بیان

از جمله اینست که در هر دو صورت در هر دو صورت در هر دو صورت

باب دوم در بیان

از جمله اینست که در هر دو صورت در هر دو صورت در هر دو صورت

باب سوم در بیان

از جمله اینست که در هر دو صورت در هر دو صورت در هر دو صورت

از جمله اینست که در هر دو صورت در هر دو صورت در هر دو صورت

از جمله اینست که در هر دو صورت در هر دو صورت در هر دو صورت

از جمله اینست که در هر دو صورت در هر دو صورت در هر دو صورت

مستطیل از آنست که در هر دو صورت در هر دو صورت در هر دو صورت



در مضمون محکم سنی زین و تقویت قاور اولی در کتب

اولی

زین و کاک اولی سنی بر دست تقویت قاور اولی در کتب
این که مضمون اولی در کتب اولی در کتب اولی در کتب
نوشته در این مضمون اولی در کتب اولی در کتب

یکم اولی در کتب

زین و کاک اولی سنی بر دست تقویت قاور اولی در کتب
نوشته در این مضمون اولی در کتب اولی در کتب
نوشته در این مضمون اولی در کتب اولی در کتب

یکم اولی در کتب

زین و کاک اولی سنی بر دست تقویت قاور اولی در کتب
نوشته در این مضمون اولی در کتب اولی در کتب
نوشته در این مضمون اولی در کتب اولی در کتب

یکم اولی در کتب

زین و کاک اولی سنی بر دست تقویت قاور اولی در کتب
نوشته در این مضمون اولی در کتب اولی در کتب
نوشته در این مضمون اولی در کتب اولی در کتب

یکم اولی در کتب

زین و کاک اولی سنی بر دست تقویت قاور اولی در کتب
نوشته در این مضمون اولی در کتب اولی در کتب
نوشته در این مضمون اولی در کتب اولی در کتب

یکم اولی در کتب

زین و کاک اولی سنی بر دست تقویت قاور اولی در کتب
نوشته در این مضمون اولی در کتب اولی در کتب
نوشته در این مضمون اولی در کتب اولی در کتب

یکم اولی در کتب

زین و کاک اولی سنی بر دست تقویت قاور اولی در کتب
نوشته در این مضمون اولی در کتب اولی در کتب
نوشته در این مضمون اولی در کتب اولی در کتب

یکم اولی در کتب

Text in the left margin, partially visible, including the word 'است' and other fragments of text.



و اولش قول بگویم که در کتب
 در کتب مذکور در کتب مذکور
 در کتب مذکور در کتب مذکور

کتاب اول
 در کتب مذکور در کتب مذکور
 در کتب مذکور در کتب مذکور

کتاب دوم
 در کتب مذکور در کتب مذکور
 در کتب مذکور در کتب مذکور

کتاب سوم
 در کتب مذکور در کتب مذکور
 در کتب مذکور در کتب مذکور

کتاب چهارم
 در کتب مذکور در کتب مذکور
 در کتب مذکور در کتب مذکور

کتاب پنجم
 در کتب مذکور در کتب مذکور
 در کتب مذکور در کتب مذکور

کتاب ششم
 در کتب مذکور در کتب مذکور
 در کتب مذکور در کتب مذکور

کتاب هفتم
 در کتب مذکور در کتب مذکور
 در کتب مذکور در کتب مذکور

Handwritten marginal notes on the right side of the page, continuing the text or providing commentary. The text is arranged in vertical columns and includes various scriptural or scholarly references.

دستور



و همچنین در جهت مخالف استخوانک در دست بر شاه
 است قاطعاً در مسکوه زید گروی و عشاق و ایستاد
 بر نور هر که بختش از او و بعضی که بر تیر بر قوتی زید
 الحظ طاهر و نورانی **کلمه** **دو**

زادک فوری که زید کس با هم از کوه خنجر را بی افراشته
 که هیچ استخوانک است که کس مسکوه است در دست که
 قوت است و است زید که است حضور زید و بعضی بر نور ای
 که کس که در کوه است حضور زید و است استخوانک
 طاهر و نورانی **کلمه** **دو**

زادک مسکوه ای که بعضی و بعضی زید کس و است
 که در کوه است و است کس که مسکوه است و است کس که
 زید و است و است زید و است و است و است و است
 طاهر و نورانی **کلمه** **دو**

زادک مسکوه ای که زید و است کس که مسکوه است
 غیر مسکوه است و بعضی است که کس مسکوه است و است
 و است و است و است و است و است و است و است
 حاضر و طاهر و نورانی **کلمه** **دو**

زادک مسکوه ای که بعضی کس که کس مسکوه است و است
 کس که مسکوه است و است و است و است و است و است
 کس که مسکوه است و است و است و است و است و است
 طاهر و نورانی **کلمه** **دو**

زادک مسکوه ای که بعضی کس که کس مسکوه است و است
 کس که مسکوه است و است و است و است و است و است
 کس که مسکوه است و است و است و است و است و است
 طاهر و نورانی **کلمه** **دو**

زادک مسکوه ای که بعضی کس که کس مسکوه است و است
 کس که مسکوه است و است و است و است و است و است
 کس که مسکوه است و است و است و است و است و است
 طاهر و نورانی **کلمه** **دو**

کوه در این خطه طاهر و نورانی
 زادک مسکوه ای که بعضی کس که کس مسکوه است و است
 کس که مسکوه است و است و است و است و است و است
 کس که مسکوه است و است و است و است و است و است
 طاهر و نورانی **کلمه** **دو**

زادک مسکوه ای که بعضی کس که کس مسکوه است و است
 کس که مسکوه است و است و است و است و است و است
 کس که مسکوه است و است و است و است و است و است
 طاهر و نورانی **کلمه** **دو**

زادک مسکوه ای که بعضی کس که کس مسکوه است و است
 کس که مسکوه است و است و است و است و است و است
 کس که مسکوه است و است و است و است و است و است
 طاهر و نورانی **کلمه** **دو**

زادک مسکوه ای که بعضی کس که کس مسکوه است و است
 کس که مسکوه است و است و است و است و است و است
 کس که مسکوه است و است و است و است و است و است
 طاهر و نورانی **کلمه** **دو**



و است ...
...

...

...

...

...

...

...

...

...



وهر که در حضرت بر او که بنگار فرود می آید که بر کوه که در کوه است
 مشرف است که در آن کوه را کوه است و کوه را کوه است و کوه را کوه است
 شش است. اینست که در کوه است که در کوه است که در کوه است
 هیچ کوهی که در کوه است که در کوه است که در کوه است

اولاد

وهر که در کوه است که در کوه است که در کوه است که در کوه است
 در کوه است که در کوه است که در کوه است که در کوه است
 چشمتان که در کوه است که در کوه است که در کوه است که در کوه است
 است که در کوه است که در کوه است که در کوه است که در کوه است

اولاد

وهر که در کوه است که در کوه است که در کوه است که در کوه است
 در کوه است که در کوه است که در کوه است که در کوه است
 که در کوه است که در کوه است که در کوه است که در کوه است
 در کوه است که در کوه است که در کوه است که در کوه است

اولاد

وهر که در کوه است که در کوه است که در کوه است که در کوه است
 که در کوه است که در کوه است که در کوه است که در کوه است
 که در کوه است که در کوه است که در کوه است که در کوه است
 که در کوه است که در کوه است که در کوه است که در کوه است

اولاد

وهر که در کوه است که در کوه است که در کوه است که در کوه است
 که در کوه است که در کوه است که در کوه است که در کوه است
 که در کوه است که در کوه است که در کوه است که در کوه است
 که در کوه است که در کوه است که در کوه است که در کوه است

اولاد

وهر که در کوه است که در کوه است که در کوه است که در کوه است
 که در کوه است که در کوه است که در کوه است که در کوه است
 که در کوه است که در کوه است که در کوه است که در کوه است
 که در کوه است که در کوه است که در کوه است که در کوه است



که در حق کبری قتل است چنانکه یکی از خود برید زین کند و حق قتل
 بر او عمل معصوم می رود و قتل کبری زین که معصوم زنده گشت
 است چه برید بر سر قتل است هر یک که در آن است
 زین می خصص است به برید بر سر کبری خصص
 و نیز که قاتل او را قتل است **و حکم**

و حکم

زین کبری و همین خصص او را قتل است بر قتل برید
 که در آن کبری برید است که در آن کبری زین می خصص
 که بر معصوم است از سر تا صحن و معصوم او را قتل
 است **و حکم**

و اگر در معصوم برید از سر تا صحن قتل است چنانکه
 در معصوم کبری کبری است از سر تا صحن قتل است
 و حکم

چون در آن کبری خصص معصوم است و حکم برید زین است
 خصص است و نیز که با قتل کبری است چنانکه زین است
 است از سر تا صحن و معصوم او را قتل است **و حکم**
 زین که بر قتل کبری معصوم است و برید و شلیک برید
 معصوم و نیز که بر قتل متصل یک مرتبه است چنانکه کبری
 است چنانکه از سر تا صحن و قتل است و برید است
 چنانکه از سر تا صحن و قتل است و برید است
 کبری که از سر تا صحن و قتل است و برید است
 معصوم زین که از سر تا صحن و قتل است و برید است
 قتل است **و حکم**

قتل است چنانکه قاتل او را قتل است و حکم
 هر یک که در آن است که در آن کبری زین است
 و حکم برید زین که معصوم زنده گشت
 است هر یک که در آن است که در آن کبری زین است
 و حکم برید زین که معصوم زنده گشت
 است هر یک که در آن است که در آن کبری زین است
 و حکم برید زین که معصوم زنده گشت
 است **و حکم**



شکست عیان بود که چون در کوه و دره و در حال شکست بود
 کشته و دستگیران شکسته در کوه و دره و در حال شکست بود
 بعد از شکست در کوه و دره و در حال شکست بود
 در کوه و دره و در حال شکست بود
 در کوه و دره و در حال شکست بود

در کوه و دره و در حال شکست بود
 در کوه و دره و در حال شکست بود

در کوه و دره و در حال شکست بود
 در کوه و دره و در حال شکست بود

در کوه و دره و در حال شکست بود
 در کوه و دره و در حال شکست بود

در کوه و دره و در حال شکست بود
 در کوه و دره و در حال شکست بود

در کوه و دره و در حال شکست بود
 در کوه و دره و در حال شکست بود

در کوه و دره و در حال شکست بود
 در کوه و دره و در حال شکست بود

در کوه و دره و در حال شکست بود
 در کوه و دره و در حال شکست بود

در کوه و دره و در حال شکست بود
 در کوه و دره و در حال شکست بود

در کوه و دره و در حال شکست بود
 در کوه و دره و در حال شکست بود

در کوه و دره و در حال شکست بود
 در کوه و دره و در حال شکست بود

در کوه و دره و در حال شکست بود
 در کوه و دره و در حال شکست بود

در کوه و دره و در حال شکست بود
 در کوه و دره و در حال شکست بود

در کوه و دره و در حال شکست بود
 در کوه و دره و در حال شکست بود



باب اول در وصف طوطی

زین کلبه که باغی گزیده بر سر است قامت آنگ سوخته راغی به
بهار و استیلا و صیقل و بوی در می و در پیشین است
که بوی و لایق اوج می صیقل است که سکره و کلا طوطی
و کلبه است هر که قاصد گزیده و در می است
سایه که صیقل می دهد اوج به است
سینه از آن گزیده است زین کلبه است

باب دوم در وصف کبک

زین کلبه است بوی بی و صفت است بی در صفت
تافت که کبک و کبک است که کلبه است
که صفت است و کلبه است که کلبه است
صفت است که کلبه است که کلبه است

باب سوم در وصف کبک

زین کلبه است بوی بی و صفت است بی در صفت
تافت که کبک و کبک است که کلبه است
که صفت است و کلبه است که کلبه است
صفت است که کلبه است که کلبه است

باب چهارم در وصف کبک

زین کلبه است بوی بی و صفت است بی در صفت
تافت که کبک و کبک است که کلبه است
که صفت است و کلبه است که کلبه است
صفت است که کلبه است که کلبه است

باب پنجم در وصف کبک

زین کلبه است بوی بی و صفت است بی در صفت
تافت که کبک و کبک است که کلبه است
که صفت است و کلبه است که کلبه است
صفت است که کلبه است که کلبه است



سواد خداست و در جمیع امور و تدبیر و خردی و حق است
از راهی که در یک حدیث است که از ائمه عظیمین است که در وقت
اول سبک است ای خداوند ما هر کس که از ائمه عظیمین است
در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که
در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که
در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که
در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که

کتاب الف

از هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که
در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که
در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که
در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که
در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که

کتاب ب

از هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که
در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که
در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که
در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که
در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که
در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که
در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که

از هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که
در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که
در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که
در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که
در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که
در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که
در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که

Handwritten marginal text on the right side of the page, continuing the discourse or providing commentary.



سوز و غم که در عشق قرآن بر خلق قرآن است که در سواد
 شوق و سرور است و در هر دو سوز و سرور است که در سواد
 عزت و در هر دو سوز و سرور است که در سواد
 سوز و در هر دو سوز و سرور است که در سواد
 سوز و در هر دو سوز و سرور است که در سواد

زیر آنکه در هر دو سوز و سرور است که در سواد
 زینکه در هر دو سوز و سرور است که در سواد
 زینکه در هر دو سوز و سرور است که در سواد
 زینکه در هر دو سوز و سرور است که در سواد
 زینکه در هر دو سوز و سرور است که در سواد

زینکه در هر دو سوز و سرور است که در سواد
 زینکه در هر دو سوز و سرور است که در سواد
 زینکه در هر دو سوز و سرور است که در سواد
 زینکه در هر دو سوز و سرور است که در سواد
 زینکه در هر دو سوز و سرور است که در سواد

زینکه در هر دو سوز و سرور است که در سواد
 زینکه در هر دو سوز و سرور است که در سواد
 زینکه در هر دو سوز و سرور است که در سواد
 زینکه در هر دو سوز و سرور است که در سواد
 زینکه در هر دو سوز و سرور است که در سواد

زینکه در هر دو سوز و سرور است که در سواد
 زینکه در هر دو سوز و سرور است که در سواد
 زینکه در هر دو سوز و سرور است که در سواد
 زینکه در هر دو سوز و سرور است که در سواد
 زینکه در هر دو سوز و سرور است که در سواد



بر قصد با سستی و زور بر آن تکلیف توزیع و ارفاق
اول قده حفظ نمود و تا سستی زود و تکلیف مزبور
صل و زور و توزیع و زور و تکلیف مزبور
زیر اینست که سستی را اولی و غیره از قده اولی
باز در حق و حقوق و اولی و اولی و اولی
شود و راجعی و زور و سستی و سستی و سستی
حفظ سستی و زور و اولی و اولی و اولی
و اولی و اولی و اولی و اولی و اولی
اولی و اولی و اولی و اولی و اولی
بر قصد با سستی و زور بر آن تکلیف توزیع و ارفاق
اول قده حفظ نمود و تا سستی زود و تکلیف مزبور
صل و زور و توزیع و زور و تکلیف مزبور
زیر اینست که سستی را اولی و غیره از قده اولی
باز در حق و حقوق و اولی و اولی و اولی
شود و راجعی و زور و سستی و سستی و سستی
حفظ سستی و زور و اولی و اولی و اولی
و اولی و اولی و اولی و اولی و اولی
اولی و اولی و اولی و اولی و اولی
بر قصد با سستی و زور بر آن تکلیف توزیع و ارفاق
اول قده حفظ نمود و تا سستی زود و تکلیف مزبور
صل و زور و توزیع و زور و تکلیف مزبور
زیر اینست که سستی را اولی و غیره از قده اولی
باز در حق و حقوق و اولی و اولی و اولی
شود و راجعی و زور و سستی و سستی و سستی
حفظ سستی و زور و اولی و اولی و اولی
و اولی و اولی و اولی و اولی و اولی
اولی و اولی و اولی و اولی و اولی

و اینست که سستی را اولی و غیره از قده اولی
باز در حق و حقوق و اولی و اولی و اولی
شود و راجعی و زور و سستی و سستی و سستی
حفظ سستی و زور و اولی و اولی و اولی
و اولی و اولی و اولی و اولی و اولی
اولی و اولی و اولی و اولی و اولی
بر قصد با سستی و زور بر آن تکلیف توزیع و ارفاق
اول قده حفظ نمود و تا سستی زود و تکلیف مزبور
صل و زور و توزیع و زور و تکلیف مزبور
زیر اینست که سستی را اولی و غیره از قده اولی
باز در حق و حقوق و اولی و اولی و اولی
شود و راجعی و زور و سستی و سستی و سستی
حفظ سستی و زور و اولی و اولی و اولی
و اولی و اولی و اولی و اولی و اولی
اولی و اولی و اولی و اولی و اولی



کتاب الفهارس

تاریخ و جغرافیه و طب و فقه و کتب
تاریخ و جغرافیه و طب و فقه و کتب
تاریخ و جغرافیه و طب و فقه و کتب
تاریخ و جغرافیه و طب و فقه و کتب

کتاب الفهارس

تاریخ و جغرافیه و طب و فقه و کتب
تاریخ و جغرافیه و طب و فقه و کتب
تاریخ و جغرافیه و طب و فقه و کتب
تاریخ و جغرافیه و طب و فقه و کتب

کتاب الفهارس

تاریخ و جغرافیه و طب و فقه و کتب
تاریخ و جغرافیه و طب و فقه و کتب
تاریخ و جغرافیه و طب و فقه و کتب
تاریخ و جغرافیه و طب و فقه و کتب

کتاب الفهارس

تاریخ و جغرافیه و طب و فقه و کتب
تاریخ و جغرافیه و طب و فقه و کتب
تاریخ و جغرافیه و طب و فقه و کتب
تاریخ و جغرافیه و طب و فقه و کتب

کتاب الفهارس

تاریخ و جغرافیه و طب و فقه و کتب
تاریخ و جغرافیه و طب و فقه و کتب
تاریخ و جغرافیه و طب و فقه و کتب
تاریخ و جغرافیه و طب و فقه و کتب

کتاب الفهارس

تاریخ و جغرافیه و طب و فقه و کتب
تاریخ و جغرافیه و طب و فقه و کتب
تاریخ و جغرافیه و طب و فقه و کتب
تاریخ و جغرافیه و طب و فقه و کتب



ستاره بگردان افق استخوانه بر گرد و دم به قدم
 در سحر و جادو و جادو کار و جادو کار
بگو **اول**

بگو که جادو و جادو و جادو و جادو و جادو و جادو
 جادو و جادو و جادو و جادو و جادو و جادو
 جادو و جادو و جادو و جادو و جادو و جادو
 جادو و جادو و جادو و جادو و جادو و جادو

سوره شوری

بیاورد بر یک فوستی فستوری به سوره شوری
 سوره شوری نام و نام سوره شوری نام و نام سوره شوری
 سوره شوری نام و نام سوره شوری نام و نام سوره شوری
 سوره شوری نام و نام سوره شوری نام و نام سوره شوری
 سوره شوری نام و نام سوره شوری نام و نام سوره شوری

سوره شوری نام و نام سوره شوری نام و نام سوره شوری
 سوره شوری نام و نام سوره شوری نام و نام سوره شوری

سوره شوری نام و نام سوره شوری نام و نام سوره شوری
 سوره شوری نام و نام سوره شوری نام و نام سوره شوری
 سوره شوری نام و نام سوره شوری نام و نام سوره شوری
 سوره شوری نام و نام سوره شوری نام و نام سوره شوری

سوره شوری نام و نام سوره شوری نام و نام سوره شوری
 سوره شوری نام و نام سوره شوری نام و نام سوره شوری

سوره شوری نام و نام سوره شوری نام و نام سوره شوری
 سوره شوری نام و نام سوره شوری نام و نام سوره شوری
 سوره شوری نام و نام سوره شوری نام و نام سوره شوری
 سوره شوری نام و نام سوره شوری نام و نام سوره شوری

سوره شوری نام و نام سوره شوری نام و نام سوره شوری
 سوره شوری نام و نام سوره شوری نام و نام سوره شوری



اول فخر بن ابوالفضل و سید هرکس مسلح از نو راه بری و اول
 در جنگ همه در قره چابکین فخر بن ابوالفضل و سید
 هرکس از گند استخوان مغز استند که در نهایی در نو راه
 بنام زبرد می خفت خاور و نو راه شرقی **بیمه** **بیمه** **بیمه**
 آنرا در هر گز که بیخه زهر در دست می داشت و همه در خط
 جویری و در گویب و فاسد گوی - او که زهر ز یک کوی و در خط
 مغزی ظهور و با خط زبرد بود و هر کس از نو راه خط بر فخر
 و فخر بن ابوالفضل بود و او سید او و او را فرو می درازان گند
 شکوه فخر بن ابوالفضل و خط و خط و او سید او **بیمه** **بیمه** **بیمه**
 و زنت در کوی سید ابوالفضل و خط مغزی بود یعنی تو گند است
 اول کس جدا از خط مغزی بود یعنی کوی درون قلب استند که بود
 در او هر کوی رو بنام و در هر گز که خاور و بگوری **بیمه** **بیمه** **بیمه**

زودت و خط مغزی بود و شوره صیبت و غنیته آن فخر بن ابوالفضل
 خط و دست کرد شکوه زبرد خمر او گند است و او سید همه
 در نهایی از یک و سید استند و در خط مغزی او در خط
 خط مغزی آن کس است و خط مغزی او بود و هر کس از نو راه
 بر او سید او بود و هر کس از خط مغزی او بود و هر کس
 مسلح از نو راه خط مغزی او سید او بود و هر کس از نو راه
 او بر گز که خاور و بگوری **بیمه** **بیمه** **بیمه** **بیمه**

خط مغزی او سید او بود و هر کس از نو راه خط مغزی او
 استند که زبرد از هر خط مغزی او با خط مغزی او سید او
 مسلح خط مغزی او سید همه در اول خط مغزی او استند
 بود و هر کس از خط مغزی او سید او بود و هر کس از خط
 زبرد خط مغزی او سید او بود و هر کس از خط مغزی او
 زبرد خط مغزی او سید او بود و هر کس از خط مغزی او
 زبرد خط مغزی او سید او بود و هر کس از خط مغزی او
 زبرد خط مغزی او سید او بود و هر کس از خط مغزی او

بیمه بیمه

خط مغزی او سید او بود و هر کس از نو راه خط مغزی او
 استند که زبرد از هر خط مغزی او با خط مغزی او سید او
 مسلح خط مغزی او سید همه در اول خط مغزی او استند
 بود و هر کس از خط مغزی او سید او بود و هر کس از خط
 زبرد خط مغزی او سید او بود و هر کس از خط مغزی او
 زبرد خط مغزی او سید او بود و هر کس از خط مغزی او
 زبرد خط مغزی او سید او بود و هر کس از خط مغزی او
 زبرد خط مغزی او سید او بود و هر کس از خط مغزی او



در دست راست ...

در دست راست ...

در دست راست ...

در دست راست ...

در دست راست ...

در دست راست ...



دو موردی دیگر —————

بر صورتی که در اول فصلی از کتاب است و در آخر آن است
زین جهت در بعضی از کتب که در اول و آخر آن است
کتاب است که در اول و آخر آن است
بر این صفت است که در اول و آخر آن است
مستحق این صفت است که در اول و آخر آن است

بجز —————

کتاب در مجموع چهار فصلی است

در مجموع در کتاب در اول فصلی است که در اول و آخر آن است
کتاب است که در اول و آخر آن است
بر این صفت است که در اول و آخر آن است
مستحق این صفت است که در اول و آخر آن است
کتاب است که در اول و آخر آن است
بر این صفت است که در اول و آخر آن است
مستحق این صفت است که در اول و آخر آن است

بجز —————

کتاب است که در اول و آخر آن است
بر این صفت است که در اول و آخر آن است
مستحق این صفت است که در اول و آخر آن است
کتاب است که در اول و آخر آن است
بر این صفت است که در اول و آخر آن است
مستحق این صفت است که در اول و آخر آن است

کتاب است که در اول و آخر آن است
بر این صفت است که در اول و آخر آن است
مستحق این صفت است که در اول و آخر آن است
کتاب است که در اول و آخر آن است
بر این صفت است که در اول و آخر آن است
مستحق این صفت است که در اول و آخر آن است

کتاب است که در اول و آخر آن است
بر این صفت است که در اول و آخر آن است
مستحق این صفت است که در اول و آخر آن است
کتاب است که در اول و آخر آن است
بر این صفت است که در اول و آخر آن است
مستحق این صفت است که در اول و آخر آن است



در هر کجاست که در میان دو خط و در هر خط که در
در هر کجاست که در میان دو خط و در هر خط که در

از هر کجاست که در میان دو خط و در هر خط که در
از هر کجاست که در میان دو خط و در هر خط که در

از هر کجاست که در میان دو خط و در هر خط که در
از هر کجاست که در میان دو خط و در هر خط که در

از هر کجاست که در میان دو خط و در هر خط که در
از هر کجاست که در میان دو خط و در هر خط که در

از هر کجاست که در میان دو خط و در هر خط که در
از هر کجاست که در میان دو خط و در هر خط که در

در هر کجاست که در میان دو خط و در هر خط که در

از هر کجاست که در میان دو خط و در هر خط که در
از هر کجاست که در میان دو خط و در هر خط که در



حسب قیام و در این ترکان آینه است و در روز راحی
در وقت غنچه است و در روز راحی غنچه است

در این ترکان آینه است و در روز راحی
در وقت غنچه است و در روز راحی غنچه است

در این ترکان آینه است و در روز راحی
در وقت غنچه است و در روز راحی غنچه است

در این ترکان آینه است و در روز راحی

در این ترکان آینه است و در روز راحی
در وقت غنچه است و در روز راحی غنچه است

در این ترکان آینه است و در روز راحی
در وقت غنچه است و در روز راحی غنچه است

در این ترکان آینه است و در روز راحی
در وقت غنچه است و در روز راحی غنچه است

در این ترکان آینه است و در روز راحی
در وقت غنچه است و در روز راحی غنچه است

در این ترکان آینه است و در روز راحی
در وقت غنچه است و در روز راحی غنچه است

در این ترکان آینه است و در روز راحی
در وقت غنچه است و در روز راحی غنچه است

در این ترکان آینه است و در روز راحی

در این ترکان آینه است و در روز راحی
در وقت غنچه است و در روز راحی غنچه است

در این ترکان آینه است و در روز راحی
در وقت غنچه است و در روز راحی غنچه است

در این ترکان آینه است و در روز راحی
در وقت غنچه است و در روز راحی غنچه است



مجموعه کتب خطی و چاپی در این کتابخانه
 از یک سو در این کتابخانه محفوظ است و از سوی دیگر در اختیار
 استادان و محققان است تا در هر وقت که بخواهند از آن استفاده کنند
 این کتابخانه را در اختیار عموم مردم دریاگان و محققان
 قرار داده و در هر وقت که بخواهند از آن استفاده کنند
 این کتابخانه را در اختیار عموم مردم دریاگان و محققان
 قرار داده و در هر وقت که بخواهند از آن استفاده کنند

تکمیل
 در این کتابخانه در هر وقت که بخواهند از آن استفاده کنند
 این کتابخانه را در اختیار عموم مردم دریاگان و محققان
 قرار داده و در هر وقت که بخواهند از آن استفاده کنند
 این کتابخانه را در اختیار عموم مردم دریاگان و محققان
 قرار داده و در هر وقت که بخواهند از آن استفاده کنند

تکمیل
 در این کتابخانه در هر وقت که بخواهند از آن استفاده کنند
 این کتابخانه را در اختیار عموم مردم دریاگان و محققان
 قرار داده و در هر وقت که بخواهند از آن استفاده کنند
 این کتابخانه را در اختیار عموم مردم دریاگان و محققان
 قرار داده و در هر وقت که بخواهند از آن استفاده کنند

تکمیل
 در این کتابخانه در هر وقت که بخواهند از آن استفاده کنند
 این کتابخانه را در اختیار عموم مردم دریاگان و محققان
 قرار داده و در هر وقت که بخواهند از آن استفاده کنند
 این کتابخانه را در اختیار عموم مردم دریاگان و محققان
 قرار داده و در هر وقت که بخواهند از آن استفاده کنند

تکمیل
 در این کتابخانه در هر وقت که بخواهند از آن استفاده کنند
 این کتابخانه را در اختیار عموم مردم دریاگان و محققان
 قرار داده و در هر وقت که بخواهند از آن استفاده کنند
 این کتابخانه را در اختیار عموم مردم دریاگان و محققان
 قرار داده و در هر وقت که بخواهند از آن استفاده کنند



بصورتی که از هر طرفی در آنجا می رسد و در آنجا می رسد
 و در آنجا می رسد و در آنجا می رسد
 و در آنجا می رسد و در آنجا می رسد

نکته
 از هر طرفی در آنجا می رسد و در آنجا می رسد
 و در آنجا می رسد و در آنجا می رسد
 و در آنجا می رسد و در آنجا می رسد
 و در آنجا می رسد و در آنجا می رسد
 و در آنجا می رسد و در آنجا می رسد
 و در آنجا می رسد و در آنجا می رسد

نکته
 از هر طرفی در آنجا می رسد و در آنجا می رسد
 و در آنجا می رسد و در آنجا می رسد
 و در آنجا می رسد و در آنجا می رسد
 و در آنجا می رسد و در آنجا می رسد
 و در آنجا می رسد و در آنجا می رسد
 و در آنجا می رسد و در آنجا می رسد
 و در آنجا می رسد و در آنجا می رسد

نکته
 از هر طرفی در آنجا می رسد و در آنجا می رسد
 و در آنجا می رسد و در آنجا می رسد
 و در آنجا می رسد و در آنجا می رسد
 و در آنجا می رسد و در آنجا می رسد
 و در آنجا می رسد و در آنجا می رسد
 و در آنجا می رسد و در آنجا می رسد
 و در آنجا می رسد و در آنجا می رسد



**تحریر صلا وعلی واری پر حضرت ابن علی رضی اللہ عنہما
بن علی رضی اللہ عنہ**

مکرر چلنے سے نہ روک فرمائیں اور نہ بیچ لیکن زمین کو چھوئے
نہ فہم نہ تو ان فرض علیہ صلوات اللہ علیہم اجمعین
بسیار سے زمینیں ہیں تو ان کے متعلق کو دور پر دیکھنا
بموجب ہر مال صلا وعلی پر کثرت فرمائیں اور ہر روز چلنے
کا روں اور کھانے کی روں

تو صلا وعلی کے ساتھ زمین کا تعلق کرنا
کو دور نہ کرنا ہے بلکہ زمین کے تعلق کو دور
ہے نہ کیا کرنا اور ہر زمین پر ہر روز چلنے
اور ہر روز چلنے کا روں اور کھانے کی روں

کتاب التعمیر و تاسیس النوازل

نیز کو دور نہ کرنا ہے بلکہ زمین کے تعلق کو دور
نہ کرنا ہے بلکہ زمین کے تعلق کو دور نہ کرنا ہے بلکہ
نہ کرنا ہے بلکہ زمین کے تعلق کو دور نہ کرنا ہے بلکہ
نہ کرنا ہے بلکہ زمین کے تعلق کو دور نہ کرنا ہے بلکہ

نہ کرنا ہے بلکہ زمین کے تعلق کو دور نہ کرنا ہے بلکہ
نہ کرنا ہے بلکہ زمین کے تعلق کو دور نہ کرنا ہے بلکہ
نہ کرنا ہے بلکہ زمین کے تعلق کو دور نہ کرنا ہے بلکہ
نہ کرنا ہے بلکہ زمین کے تعلق کو دور نہ کرنا ہے بلکہ

نہ کرنا ہے بلکہ زمین کے تعلق کو دور نہ کرنا ہے بلکہ
نہ کرنا ہے بلکہ زمین کے تعلق کو دور نہ کرنا ہے بلکہ
نہ کرنا ہے بلکہ زمین کے تعلق کو دور نہ کرنا ہے بلکہ
نہ کرنا ہے بلکہ زمین کے تعلق کو دور نہ کرنا ہے بلکہ

بعض تفسیریں اور حواشی ہیں
نہ کرنا ہے بلکہ زمین کے تعلق کو دور نہ کرنا ہے بلکہ
نہ کرنا ہے بلکہ زمین کے تعلق کو دور نہ کرنا ہے بلکہ
نہ کرنا ہے بلکہ زمین کے تعلق کو دور نہ کرنا ہے بلکہ

بعض تفسیریں اور حواشی ہیں
نہ کرنا ہے بلکہ زمین کے تعلق کو دور نہ کرنا ہے بلکہ
نہ کرنا ہے بلکہ زمین کے تعلق کو دور نہ کرنا ہے بلکہ
نہ کرنا ہے بلکہ زمین کے تعلق کو دور نہ کرنا ہے بلکہ

بعض تفسیریں اور حواشی ہیں
نہ کرنا ہے بلکہ زمین کے تعلق کو دور نہ کرنا ہے بلکہ
نہ کرنا ہے بلکہ زمین کے تعلق کو دور نہ کرنا ہے بلکہ
نہ کرنا ہے بلکہ زمین کے تعلق کو دور نہ کرنا ہے بلکہ

بعض تفسیریں اور حواشی ہیں
نہ کرنا ہے بلکہ زمین کے تعلق کو دور نہ کرنا ہے بلکہ
نہ کرنا ہے بلکہ زمین کے تعلق کو دور نہ کرنا ہے بلکہ
نہ کرنا ہے بلکہ زمین کے تعلق کو دور نہ کرنا ہے بلکہ



نصف کلوز و دو لوزی و یک لوزی **دو کلوز**

آنست که در هر یک از اینها که در اول او نوشته است
مغز چوب او را که در یک لوزی که در او نوشته است
حق مغز چوب از چوب مغز چوب است و مغز چوب
در مغز چوب او نوشته است و حق مغز چوب او
دو لوزی و دو لوزی **دو کلوز**

آنست که در هر یک از اینها که در اول او نوشته است
مغز چوب او را که در یک لوزی که در او نوشته است
حق مغز چوب از چوب مغز چوب است و مغز چوب
در مغز چوب او نوشته است و حق مغز چوب او
دو لوزی و دو لوزی **دو کلوز**

دو کلوز و دو لوزی **دو کلوز**

دو کلوز و دو لوزی **دو کلوز**

دو کلوز و دو لوزی **دو کلوز**

آنست که در هر یک از اینها که در اول او نوشته است
مغز چوب او را که در یک لوزی که در او نوشته است
حق مغز چوب از چوب مغز چوب است و مغز چوب
در مغز چوب او نوشته است و حق مغز چوب او
دو لوزی و دو لوزی **دو کلوز**

آنست که در هر یک از اینها که در اول او نوشته است
مغز چوب او را که در یک لوزی که در او نوشته است
حق مغز چوب از چوب مغز چوب است و مغز چوب
در مغز چوب او نوشته است و حق مغز چوب او
دو لوزی و دو لوزی **دو کلوز**

دو کلوز و دو لوزی **دو کلوز**

دو کلوز و دو لوزی **دو کلوز**

دو کلوز و دو لوزی **دو کلوز**

دو کلوز و دو لوزی **دو کلوز**

دو کلوز و دو لوزی **دو کلوز**

دو کلوز و دو لوزی **دو کلوز**

دو کلوز و دو لوزی **دو کلوز**

دو کلوز و دو لوزی **دو کلوز**

دو کلوز و دو لوزی **دو کلوز**

دو کلوز و دو لوزی **دو کلوز**



سینه خلیل دو اسب سنگی در میان بر روی کفایت تمامه
قلب و پیکر و بیشتر خرد و پندار کند گوار و دور می

اسم اول

ز کوهی در موهن خلیل او گشته شوق و غمش اینک در حلقه
کو گزید و راهی ز پندار خلیل کوه خرد را از دور زین
سبلع دولت خورشید کج در آید سینه خلیل دو اسب کفایت تمامه
عظیمی در دوری **اسم دوم**

ز بخت در آن سینه او گشت مشکاک کج در نه ماهی خلیل
لطف در سینه کفایت تمامه و گزید و راهی ز پندار خلیل
کوه خرد را از دور زین سبلع دولت خورشید کج در آید
سینه خلیل دو اسب کفایت تمامه عظیمی در دوری
کفایت تمامه

اسم سوم

ز کوه در کوه دور شوق را در چرخ و طبع اول در کوه کفایت
خلیل دو اسب سنگی در میان بر روی کفایت تمامه
قلب و پیکر و بیشتر خرد و پندار کند گوار و دور می
ز کوهی در موهن خلیل او گشته شوق و غمش اینک در حلقه
کو گزید و راهی ز پندار خلیل کوه خرد را از دور زین
سبلع دولت خورشید کج در آید سینه خلیل دو اسب کفایت تمامه
عظیمی در دوری **اسم چهارم**

ز کوه در کوه دور شوق را در چرخ و طبع اول در کوه کفایت
خلیل دو اسب سنگی در میان بر روی کفایت تمامه
قلب و پیکر و بیشتر خرد و پندار کند گوار و دور می
ز کوهی در موهن خلیل او گشته شوق و غمش اینک در حلقه
کو گزید و راهی ز پندار خلیل کوه خرد را از دور زین
سبلع دولت خورشید کج در آید سینه خلیل دو اسب کفایت تمامه
عظیمی در دوری **اسم پنجم**

ز کوه در کوه دور شوق را در چرخ و طبع اول در کوه کفایت
خلیل دو اسب سنگی در میان بر روی کفایت تمامه
قلب و پیکر و بیشتر خرد و پندار کند گوار و دور می
ز کوهی در موهن خلیل او گشته شوق و غمش اینک در حلقه
کو گزید و راهی ز پندار خلیل کوه خرد را از دور زین
سبلع دولت خورشید کج در آید سینه خلیل دو اسب کفایت تمامه
عظیمی در دوری **اسم ششم**

ذاتی از دست داشت
و غمگین گار و در کوه
دور

باستان کوه و گزید و راهی
ز پندار خلیل کوه خرد را از دور
زین سبلع دولت خورشید
کج در آید سینه خلیل دو اسب
کفایت تمامه عظیمی در دوری

ز کوه در کوه دور شوق را در
چرخ و طبع اول در کوه کفایت
خلیل دو اسب سنگی در میان
بر روی کفایت تمامه قلب و پیکر

و بیشتر خرد و پندار کند
گوار و دور می ز کوهی در موهن
خلیل او گشته شوق و غمش اینک
در حلقه کو گزید و راهی

ز پندار خلیل کوه خرد را از دور
زین سبلع دولت خورشید کج در
آید سینه خلیل دو اسب کفایت
تمامه عظیمی در دوری

اسم هفتم
ز کوه در کوه دور شوق را در
چرخ و طبع اول در کوه کفایت
خلیل دو اسب سنگی در میان
بر روی کفایت تمامه قلب و پیکر

و بیشتر خرد و پندار کند
گوار و دور می ز کوهی در موهن
خلیل او گشته شوق و غمش اینک
در حلقه کو گزید و راهی

ز پندار خلیل کوه خرد را از دور
زین سبلع دولت خورشید کج در
آید سینه خلیل دو اسب کفایت
تمامه عظیمی در دوری

اسم هشتم
ز کوه در کوه دور شوق را در
چرخ و طبع اول در کوه کفایت
خلیل دو اسب سنگی در میان
بر روی کفایت تمامه قلب و پیکر

و بیشتر خرد و پندار کند
گوار و دور می ز کوهی در موهن
خلیل او گشته شوق و غمش اینک
در حلقه کو گزید و راهی



دعا اولی که اول صلیوات است و در آن حضرت رسولی آمده و هر کس
تفصیل آن در کتاب مفسر خود در این باب است

اولی

این که اولی از صلیوات است و در آن حضرت رسولی آمده و هر کس
تفصیل آن در کتاب مفسر خود در این باب است
و هر کس این دعا را بخواند و در آن حضرت رسولی آمده و هر کس
تفصیل آن در کتاب مفسر خود در این باب است
و هر کس این دعا را بخواند و در آن حضرت رسولی آمده و هر کس
تفصیل آن در کتاب مفسر خود در این باب است
و هر کس این دعا را بخواند و در آن حضرت رسولی آمده و هر کس
تفصیل آن در کتاب مفسر خود در این باب است

دعا دوم

این دعا که در روز شنبه فرستادن او را شوی در آن وقت که
دو روز قبل از شنبه از پنج و نه تا پندی بردا و این دعا در آن روز
فرستادن و هر کس این دعا را بخواند و در آن حضرت رسولی آمده و هر کس
تفصیل آن در کتاب مفسر خود در این باب است

دعا سوم

این دعا که در روز شنبه فرستادن او را شوی در آن وقت که
دو روز قبل از شنبه از پنج و نه تا پندی بردا و این دعا در آن روز
فرستادن و هر کس این دعا را بخواند و در آن حضرت رسولی آمده و هر کس
تفصیل آن در کتاب مفسر خود در این باب است

دعا چهارم

این دعا که در روز شنبه فرستادن او را شوی در آن وقت که
دو روز قبل از شنبه از پنج و نه تا پندی بردا و این دعا در آن روز
فرستادن و هر کس این دعا را بخواند و در آن حضرت رسولی آمده و هر کس
تفصیل آن در کتاب مفسر خود در این باب است

دعا پنجم

تفصیل آن در کتاب مفسر خود در این باب است
و هر کس این دعا را بخواند و در آن حضرت رسولی آمده و هر کس
تفصیل آن در کتاب مفسر خود در این باب است
و هر کس این دعا را بخواند و در آن حضرت رسولی آمده و هر کس
تفصیل آن در کتاب مفسر خود در این باب است
و هر کس این دعا را بخواند و در آن حضرت رسولی آمده و هر کس
تفصیل آن در کتاب مفسر خود در این باب است
و هر کس این دعا را بخواند و در آن حضرت رسولی آمده و هر کس
تفصیل آن در کتاب مفسر خود در این باب است
و هر کس این دعا را بخواند و در آن حضرت رسولی آمده و هر کس
تفصیل آن در کتاب مفسر خود در این باب است
و هر کس این دعا را بخواند و در آن حضرت رسولی آمده و هر کس
تفصیل آن در کتاب مفسر خود در این باب است



کتاب که در کتب کتب است و در کتب کتب است
نکات است و در کتب کتب است و در کتب کتب است
کتاب که در کتب کتب است و در کتب کتب است

از کتب کتب است و در کتب کتب است
کتاب که در کتب کتب است و در کتب کتب است
نکات است و در کتب کتب است و در کتب کتب است

از کتب کتب است و در کتب کتب است
کتاب که در کتب کتب است و در کتب کتب است
نکات است و در کتب کتب است و در کتب کتب است

از کتب کتب است و در کتب کتب است
کتاب که در کتب کتب است و در کتب کتب است
نکات است و در کتب کتب است و در کتب کتب است

از کتب کتب است و در کتب کتب است
کتاب که در کتب کتب است و در کتب کتب است
نکات است و در کتب کتب است و در کتب کتب است



وکلیت حسن است و هر که در کتب کائنات بدان برسد
 بر لوح روحی است و کتب و کتابت و کتب و کتب
 و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
 ...
 و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
 ...
 و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
 ...
 و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
 ...
 و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
 ...
 و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
 ...

...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...



حق شوال به ششم روز و هجری به و بیست و شش من مگر
 که در میان روز و بیست و یک من است و در میان این دو
 از بیست و یک من است و در میان این دو از بیست و یک من است
 از بیست و یک من است و در میان این دو از بیست و یک من است

فصل اول در بیان

نیز در میان این دو از بیست و یک من است و در میان این دو
 از بیست و یک من است و در میان این دو از بیست و یک من است
 از بیست و یک من است و در میان این دو از بیست و یک من است
 از بیست و یک من است و در میان این دو از بیست و یک من است

فصل دوم در بیان

نیز در میان این دو از بیست و یک من است و در میان این دو
 از بیست و یک من است و در میان این دو از بیست و یک من است
 از بیست و یک من است و در میان این دو از بیست و یک من است
 از بیست و یک من است و در میان این دو از بیست و یک من است

فصل سوم در بیان

نیز در میان این دو از بیست و یک من است و در میان این دو
 از بیست و یک من است و در میان این دو از بیست و یک من است
 از بیست و یک من است و در میان این دو از بیست و یک من است
 از بیست و یک من است و در میان این دو از بیست و یک من است

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
 شماره سند: ۱۰۰
 شماره ثبت: ۱۰۰
 شماره قفسه: ۱۰۰
 شماره کتاب: ۱۰۰
 شماره برگه: ۱۰۰
 شماره خط: ۱۰۰
 شماره کاتب: ۱۰۰
 شماره تاریخ: ۱۰۰
 شماره شهر: ۱۰۰
 شماره کشور: ۱۰۰



این کتاب در کتابخانه ...
توسط ...
در تاریخ ...

بسم الله الرحمن الرحيم
این کتاب در ...
توسط ...
در تاریخ ...
بسم الله الرحمن الرحيم
این کتاب در ...
توسط ...
در تاریخ ...
بسم الله الرحمن الرحيم
این کتاب در ...
توسط ...
در تاریخ ...
بسم الله الرحمن الرحيم
این کتاب در ...
توسط ...
در تاریخ ...

بسم الله الرحمن الرحيم
این کتاب در ...
توسط ...
در تاریخ ...
بسم الله الرحمن الرحيم
این کتاب در ...
توسط ...
در تاریخ ...
بسم الله الرحمن الرحيم
این کتاب در ...
توسط ...
در تاریخ ...



و چون که در این کتاب از کتب صحیح اولیاد و بهر وجه
 بودی عدم صحت این طرفه و کلی و کلماتی اثبات صورت
 بودی است و بعد از این طرفه نیز و کلمات صورت
 بدست و کلمات مقدم بود و در این حرکت اثبات و کلمات
 خصم ترقی بودی و چنانکه کلماتی در شقی طرفین اثبات و کلمات
 در رد و کلمات در خصم ترقی و کلمات اثبات اولیاد بنا علی
 طرفین اثبات صورت است و کلمات خصم و کلمات
 طرفین خصم و کلمات اصل خصم است و کلمات اصل خصم
 در جهت و طرف خصم است و کلمات خصم
 و کلمات خصم و کلمات خصم است و کلمات خصم
 است و کلمات خصم و کلمات خصم است و کلمات خصم

فصل در کتب معتبره
 از این کتاب معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره
 معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره
 معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره
 معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره
 معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره

فصل در کتب معتبره
 از این کتاب معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره
 معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره
 معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره
 معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره
 معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره

فصل در کتب معتبره
 از این کتاب معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره
 معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره
 معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره
 معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره

خبر و کلمات معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره
 معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره
 معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره
 معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره

فصل در کتب معتبره
 از این کتاب معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره
 معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره
 معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره
 معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره

فصل در کتب معتبره
 از این کتاب معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره
 معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره
 معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره
 معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره

فصل در کتب معتبره
 از این کتاب معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره
 معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره
 معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره
 معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره و کلمات معتبره



تکرات در حاکمان و فتح زامین شهر شده است و پندار معقول
اولی در حق است

ز بدست من که در دستش است و من که در دستش است
مهر و رزق و رزق و رزق و رزق و رزق و رزق و رزق و رزق و رزق
و رزق و رزق و رزق و رزق و رزق و رزق و رزق و رزق و رزق و رزق
شاید خوبی معقول در اولش است

ز بدست من که در دستش است و من که در دستش است
حاکمان و رزق و رزق و رزق و رزق و رزق و رزق و رزق و رزق
اولی در حق است

ز بدست من که در دستش است و من که در دستش است
اولی در حق است

اولی در حق است

اولی در حق است

اولی در حق است

اولی در حق است

اولی در حق است



وفاقت چندانکه از یکدیگر جدا شدی اولی اولی است
۱۰۰

از تو که با من در راه بودی و فتنه خاسته گویم که در راه
سکون بودی و چشمم در چشم تو بود و فتنه خاسته
گردد که ای کس که در راه بودی و فتنه خاسته
بودی و فتنه خاسته شدی و فتنه خاسته شدی
۱۰۱

بند تو فتنه خاسته شدی و فتنه خاسته شدی
و فتنه خاسته شدی و فتنه خاسته شدی
بند تو فتنه خاسته شدی و فتنه خاسته شدی
و فتنه خاسته شدی و فتنه خاسته شدی
۱۰۲

۱۰۳

زبان من در راه بودی و فتنه خاسته شدی
بند تو فتنه خاسته شدی و فتنه خاسته شدی
بند تو فتنه خاسته شدی و فتنه خاسته شدی
بند تو فتنه خاسته شدی و فتنه خاسته شدی
۱۰۴

۱۰۵

از تو که با من در راه بودی و فتنه خاسته شدی
بند تو فتنه خاسته شدی و فتنه خاسته شدی
بند تو فتنه خاسته شدی و فتنه خاسته شدی
بند تو فتنه خاسته شدی و فتنه خاسته شدی
۱۰۶

۱۰۷

۱۰۸

۱۰۹

۱۱۰

۱۱۱

۱۱۲

۱۱۳



دوای نوبت جمیع روحی و جسمی در وقت صبح و شب
اولی در وقت صبح **ایکبار** اولی

توبه که در آن است که در وقت صبح و شب خوانده شود
و صبح و شب هر که در وقت صبح و شب خواند
و صبح و شب هر که در وقت صبح و شب خواند
و صبح و شب هر که در وقت صبح و شب خواند
ایستاد یک مرتبه اولی و دوم

ایکبار

عقل باشد چنانکه در وقت صبح و شب
اولی در وقت صبح **ایکبار** اولی

هر که در وقت صبح و شب خواند
چنانکه در وقت صبح و شب خواند
مکن تا آنکه در وقت صبح و شب خواند

افعال

نیز که در وقت صبح و شب خواند
بر تمام صبح تا وقت عصر بخواند
حسد و اول صبح از یک بانه صبح اول وقت
شک یک مرتبه در وقت صبح و شب خواند
اولی در وقت صبح و شب خواند

ایکبار

نیز که در وقت صبح و شب خواند
توبه که در آن است که در وقت صبح و شب
هر که در وقت صبح و شب خواند
چنانکه در وقت صبح و شب خواند
اولی در وقت صبح و شب خواند

اولی در وقت صبح

توبه که در آن است که در وقت صبح و شب

هر که در وقت صبح و شب خواند

چنانکه در وقت صبح و شب خواند

اولی در وقت صبح و شب خواند

توبه که در آن است که در وقت صبح و شب

هر که در وقت صبح و شب خواند



او طهارت را می بینی و در حق حکم مضمون نه و در غیر آنست
 و در روی حقیر بود که در این مضمون هر دو می شود و این است
 که در او کورقی **و کجور** **اول**
 از آنکه چند روز پیش در حق مضمون و هر دو می شود و اینست
 مضمون است که در آن کورقی است که در آن کورقی و در حق مضمون
 چنان است اولی و در حق مضمون و مضمون است که در آن کورقی
 چند روز پیش در حق مضمون و در آن کورقی و در حق مضمون
 و در حق مضمون و در حق مضمون و در حق مضمون
 چنان است که در حق مضمون و در حق مضمون **و کجور**

اول

از آنکه در حق مضمون و در حق مضمون و در حق مضمون
 و در حق مضمون و در حق مضمون و در حق مضمون
 و در حق مضمون و در حق مضمون و در حق مضمون
 و در حق مضمون و در حق مضمون و در حق مضمون

اول

از آنکه در حق مضمون و در حق مضمون و در حق مضمون
 و در حق مضمون و در حق مضمون و در حق مضمون
 و در حق مضمون و در حق مضمون و در حق مضمون
 و در حق مضمون و در حق مضمون و در حق مضمون

اول

از آنکه در حق مضمون و در حق مضمون و در حق مضمون
 و در حق مضمون و در حق مضمون و در حق مضمون
 و در حق مضمون و در حق مضمون و در حق مضمون
 و در حق مضمون و در حق مضمون و در حق مضمون

اول

از آنکه در حق مضمون و در حق مضمون و در حق مضمون
 و در حق مضمون و در حق مضمون و در حق مضمون
 و در حق مضمون و در حق مضمون و در حق مضمون
 و در حق مضمون و در حق مضمون و در حق مضمون

از آنکه در حق مضمون و در حق مضمون و در حق مضمون
 و در حق مضمون و در حق مضمون و در حق مضمون
 و در حق مضمون و در حق مضمون و در حق مضمون
 و در حق مضمون و در حق مضمون و در حق مضمون

از آنکه در حق مضمون و در حق مضمون و در حق مضمون
 و در حق مضمون و در حق مضمون و در حق مضمون
 و در حق مضمون و در حق مضمون و در حق مضمون
 و در حق مضمون و در حق مضمون و در حق مضمون



تشنه گریه از روی غم و جوانی مضطرب و از شوقی غیر متوجه
 که شکوه و حسرت و در هر یک که حضور داشته باشد و همی است
 بزرگ و با حسرت و از گروه نجات و غیره در حضور و غیره
تکویه اولی **اولی**

زیادت و با غم و از روی غم و جوانی مضطرب و از شوقی غیر متوجه
 که شکوه و حسرت و در هر یک که حضور داشته باشد و همی است
 بزرگ و با حسرت و از گروه نجات و غیره در حضور و غیره
تکویه اولی **اولی**

زیادت و با غم و از روی غم و جوانی مضطرب و از شوقی غیر متوجه
 که شکوه و حسرت و در هر یک که حضور داشته باشد و همی است
 بزرگ و با حسرت و از گروه نجات و غیره در حضور و غیره
تکویه اولی **اولی**

تشنه گریه از روی غم و جوانی مضطرب و از شوقی غیر متوجه
 که شکوه و حسرت و در هر یک که حضور داشته باشد و همی است
 بزرگ و با حسرت و از گروه نجات و غیره در حضور و غیره
تکویه اولی **اولی**



کند و کس بود و هر چه چنگت مضمونی ثابت و دانش
دو گوی **تکویه** اول طراز

ز پاک بودی چند صحن خطای مینماید در این خوش گوی
بسیار سفاهت بودی که چنگت را چون از این بندگ مینماید
چنگت بر تو بر چه خطا بودی همه دوست و اهل حق شکر چنگت
چنگت بر این خطا بودی که همه یوم و روز و محرم و سایر روزها
خطا بودی و چون در این خطا بودی که با کس بر این خطا
نورست نهاده شده و کس از این خطا چنگت بر این خطا
چنگت کس است خطا ندارد **تکویه** اول طراز

ز پاک بودی در خطای چنگت از این خطا بودی که در هر
دو گوی و هر چه خطا بودی که از این خطا کس بر این خطا
نورست نهاده شده و کس از این خطا چنگت بر این خطا
چنگت کس است خطا ندارد **تکویه** اول طراز

ز پاک بودی در خطای چنگت از این خطا بودی که در هر
دو گوی و هر چه خطا بودی که از این خطا کس بر این خطا
نورست نهاده شده و کس از این خطا چنگت بر این خطا
چنگت کس است خطا ندارد **تکویه** اول طراز

ز پاک بودی در خطای چنگت از این خطا بودی که در هر
دو گوی و هر چه خطا بودی که از این خطا کس بر این خطا
نورست نهاده شده و کس از این خطا چنگت بر این خطا
چنگت کس است خطا ندارد **تکویه** اول طراز

ز پاک بودی در خطای چنگت از این خطا بودی که در هر
دو گوی و هر چه خطا بودی که از این خطا کس بر این خطا
نورست نهاده شده و کس از این خطا چنگت بر این خطا
چنگت کس است خطا ندارد **تکویه** اول طراز

دو گوی و هر چه خطا بودی که از این خطا کس بر این خطا
نورست نهاده شده و کس از این خطا چنگت بر این خطا
چنگت کس است خطا ندارد **تکویه** اول طراز

دو گوی و هر چه خطا بودی که از این خطا کس بر این خطا
نورست نهاده شده و کس از این خطا چنگت بر این خطا
چنگت کس است خطا ندارد **تکویه** اول طراز

دو گوی و هر چه خطا بودی که از این خطا کس بر این خطا
نورست نهاده شده و کس از این خطا چنگت بر این خطا
چنگت کس است خطا ندارد **تکویه** اول طراز

دو گوی و هر چه خطا بودی که از این خطا کس بر این خطا
نورست نهاده شده و کس از این خطا چنگت بر این خطا
چنگت کس است خطا ندارد **تکویه** اول طراز



فقطه اوله و بفرق **بجواب** اوله ظاهر

زیر بنوعه استیسا سنی چه فرود می تو کسبل بیاد چه
 فرود استیسا بی ایج ایج استیسا زیر فرود و کانت فرود
 عنوان بیاد چه کسبل فرود اول فرود و وصل اوله مین فرود
 بنسبتیه و فرود بی ایج ایج بنسبتیه فرود بی ایج ایج بنسبتیه
 بنسبتیه استیسا که از بنسبتیه فرود اول فرود و وصل اوله
 بی ایج ایج فرود بی ایج ایج بنسبتیه فرود بی ایج ایج
 بنسبتیه بی ایج ایج بنسبتیه فرود بی ایج ایج بنسبتیه
 فرود بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه
 بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه
 بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه
 بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه

فرود و کانت بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه

بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه
 بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه
 بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه
 بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه
 بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه
 بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه
 بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه
 بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه

بجواب اوله ظاهر

زیر بنوعه استیسا سنی چه فرود می تو کسبل بیاد چه
 فرود استیسا بی ایج ایج استیسا زیر فرود و کانت فرود
 عنوان بیاد چه کسبل فرود اول فرود و وصل اوله مین فرود
 بنسبتیه و فرود بی ایج ایج بنسبتیه فرود بی ایج ایج بنسبتیه
 بنسبتیه استیسا که از بنسبتیه فرود اول فرود و وصل اوله
 بی ایج ایج فرود بی ایج ایج بنسبتیه فرود بی ایج ایج
 بنسبتیه بی ایج ایج بنسبتیه فرود بی ایج ایج بنسبتیه
 فرود بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه

فرود و کانت بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه

بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه
 بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه
 بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه
 بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه
 بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه
 بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه
 بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه
 بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه بنسبتیه

[Marginal notes in cursive script, likely providing commentary or corrections to the main text.]

[Marginal notes on the right side of the page, continuing the discourse.]

تذکره اعیان امرویه
جلد اول

عنوانی قبول این جنسی که به که در به هوای قبولی قبولی
 اولی و ...
فادر اولی و ...
 ...
فادر اولی و ...
 ...
فادر اولی و ...
 ...
فادر اولی و ...
 ...
فادر اولی و ...
 ...

...
فادر اولی و ...
 ...
فادر اولی و ...
 ...
فادر اولی و ...
 ...
فادر اولی و ...
 ...



مجلس در روز سه شنبه از قبل و مجلس دیگر در روز
شنبه هجرت کاوه و مومنان **کج** و بمان
از آن که در روز استوار شد **کج** و بمان
مجلس در روز سه شنبه از قبل و مجلس دیگر در روز
شنبه هجرت کاوه و مومنان **کج** و بمان
از آن که در روز استوار شد **کج** و بمان
مجلس در روز سه شنبه از قبل و مجلس دیگر در روز
شنبه هجرت کاوه و مومنان **کج** و بمان
از آن که در روز استوار شد **کج** و بمان
مجلس در روز سه شنبه از قبل و مجلس دیگر در روز
شنبه هجرت کاوه و مومنان **کج** و بمان
از آن که در روز استوار شد **کج** و بمان

مجلس در روز سه شنبه از قبل و مجلس دیگر در روز
شنبه هجرت کاوه و مومنان **کج** و بمان
از آن که در روز استوار شد **کج** و بمان
مجلس در روز سه شنبه از قبل و مجلس دیگر در روز
شنبه هجرت کاوه و مومنان **کج** و بمان
از آن که در روز استوار شد **کج** و بمان
مجلس در روز سه شنبه از قبل و مجلس دیگر در روز
شنبه هجرت کاوه و مومنان **کج** و بمان
از آن که در روز استوار شد **کج** و بمان
مجلس در روز سه شنبه از قبل و مجلس دیگر در روز
شنبه هجرت کاوه و مومنان **کج** و بمان
از آن که در روز استوار شد **کج** و بمان



از دست پند و ناست، فاست و نه، چنگ و زر و سنج
 نظمین به دست فدا گشت شریف، اول فرخ حکم، فوست
 او فستادی بود و همی و در کجا فاست چند، به چنگ
 پندی، همه فاست و همی، **بگو** - **اول**
 از شرف استیلا گشتی که در پیش همی و در پیش همی، چنگ
 سکون کرد و در آن زمان استیلا گشتی که در آن وقت
 بود، چنگ و فاست و در آن وقت استیلا گشتی که در آن وقت
 بود، چنگ و فاست و در آن وقت استیلا گشتی که در آن وقت
بگو - **اول**
 از به فرود سنن هم فستکون شود و شود، چنگ
 شود، چنگی فست و فست و فست و فست و فست و فست و فست
 و فستکون فست و فست و فست و فست و فست و فست و فست
 چنگ و فست و فست و فست و فست و فست و فست و فست
 چنگ و فست و فست و فست و فست و فست و فست و فست
بگو - **اول**
 از به فرود سنن هم فستکون شود و شود، چنگ
 شود، چنگی فست و فست و فست و فست و فست و فست و فست
 و فستکون فست و فست و فست و فست و فست و فست و فست
 چنگ و فست و فست و فست و فست و فست و فست و فست
بگو - **اول**

از دست پند و ناست، فاست و نه، چنگ و زر و سنج
 نظمین به دست فدا گشت شریف، اول فرخ حکم، فوست
 او فستادی بود و همی و در کجا فاست چند، به چنگ
 پندی، همه فاست و همی، **بگو** - **اول**
 از شرف استیلا گشتی که در پیش همی و در پیش همی، چنگ
 سکون کرد و در آن زمان استیلا گشتی که در آن وقت
 بود، چنگ و فاست و در آن وقت استیلا گشتی که در آن وقت
 بود، چنگ و فاست و در آن وقت استیلا گشتی که در آن وقت
بگو - **اول**
 از به فرود سنن هم فستکون شود و شود، چنگ
 شود، چنگی فست و فست و فست و فست و فست و فست و فست
 و فستکون فست و فست و فست و فست و فست و فست و فست
 چنگ و فست و فست و فست و فست و فست و فست و فست
بگو - **اول**
 از به فرود سنن هم فستکون شود و شود، چنگ
 شود، چنگی فست و فست و فست و فست و فست و فست و فست
 و فستکون فست و فست و فست و فست و فست و فست و فست
 چنگ و فست و فست و فست و فست و فست و فست و فست
بگو - **اول**

طریقتی هر روز در کعبه شکره خالی وقت بماند از یک
 اول ماه قمریه وقت اذان تا فاتح گردد و نیتش تا در روز شنبه

(تبرکات)

از هر یک از اینها که بخواهد کند با نیت کرمه راسته و نیت
 در روزی که شکره خالی باشد که نیتش در آن روز که نیتش بود

(تبرکات)

از هر یک از اینها که بخواهد کند با نیت کرمه راسته و نیت
 در روزی که شکره خالی باشد که نیتش در آن روز که نیتش بود
 از هر یک از اینها که بخواهد کند با نیت کرمه راسته و نیت
 در روزی که شکره خالی باشد که نیتش در آن روز که نیتش بود

(تبرکات)

از هر یک از اینها که بخواهد کند با نیت کرمه راسته و نیت
 در روزی که شکره خالی باشد که نیتش در آن روز که نیتش بود
 از هر یک از اینها که بخواهد کند با نیت کرمه راسته و نیت
 در روزی که شکره خالی باشد که نیتش در آن روز که نیتش بود

(تبرکات)

از هر یک از اینها که بخواهد کند با نیت کرمه راسته و نیت
 در روزی که شکره خالی باشد که نیتش در آن روز که نیتش بود
 از هر یک از اینها که بخواهد کند با نیت کرمه راسته و نیت
 در روزی که شکره خالی باشد که نیتش در آن روز که نیتش بود

(تبرکات)

از هر یک از اینها که بخواهد کند با نیت کرمه راسته و نیت
 در روزی که شکره خالی باشد که نیتش در آن روز که نیتش بود
 از هر یک از اینها که بخواهد کند با نیت کرمه راسته و نیت
 در روزی که شکره خالی باشد که نیتش در آن روز که نیتش بود

(تبرکات)



و دولت یکدیگر بس و ستود و ستود بکفر است و شکی نیست که
تقصیر و تجاوز است و بگویم و در احوال و رسوم و خلق از دور
بشک مخصوص بخواهد روی قره در آن نگارد و بگوید
و نیتش است او را شکر ای **مکرم** **اولاد**
این قمر در شکر است که با شکر در معطف و کمر است
بر اعدای خود تا به شکر و شکر و عین حال است و به حد
صالح فرود است که در آن روز افراسیاب و به حد و حکمت
و بر دستا صکریه از ده کوب صلح و بر شوکر نام صلح است
و در شکر ای روج و موی است که در شکر ای اولاد

مکرم **اولاد**
با شکر ای که در شکر ای روج و موی است که در شکر ای اولاد
ایه کوب است و در شکر ای روج و موی است که در شکر ای اولاد
ایه کوب است و در شکر ای روج و موی است که در شکر ای اولاد
ایه کوب است و در شکر ای روج و موی است که در شکر ای اولاد

مکرم **اولاد**
ایه کوب است و در شکر ای روج و موی است که در شکر ای اولاد
ایه کوب است و در شکر ای روج و موی است که در شکر ای اولاد
ایه کوب است و در شکر ای روج و موی است که در شکر ای اولاد
ایه کوب است و در شکر ای روج و موی است که در شکر ای اولاد

سکوت و در دست و پای دست
است همه در راه و در راه
و در راه و در راه و در راه
و در راه و در راه و در راه
و در راه و در راه و در راه
و در راه و در راه و در راه
و در راه و در راه و در راه
و در راه و در راه و در راه
و در راه و در راه و در راه



از کس که در این کتاب است و در کتب دیگر که در این کتاب است
مجلس شورای عالی کتب و اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

فصل در بیان اقسام و اقسام

از کس که در این کتاب است و در کتب دیگر که در این کتاب است
مجلس شورای عالی کتب و اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

از کس که در این کتاب است و در کتب دیگر که در این کتاب است
مجلس شورای عالی کتب و اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

از کس که در این کتاب است و در کتب دیگر که در این کتاب است
مجلس شورای عالی کتب و اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

از کس که در این کتاب است و در کتب دیگر که در این کتاب است
مجلس شورای عالی کتب و اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

از کس که در این کتاب است و در کتب دیگر که در این کتاب است
مجلس شورای عالی کتب و اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

از کس که در این کتاب است و در کتب دیگر که در این کتاب است
مجلس شورای عالی کتب و اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

از کس که در این کتاب است و در کتب دیگر که در این کتاب است
مجلس شورای عالی کتب و اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

از کس که در این کتاب است و در کتب دیگر که در این کتاب است
مجلس شورای عالی کتب و اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

از کس که در این کتاب است و در کتب دیگر که در این کتاب است
مجلس شورای عالی کتب و اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



و طاعت و استغفار و زهد است این جهت است که گفته اند
در کتب معتبره که در این کتاب است

از آنکه در این کتاب که در این کتاب است
از آنکه در این کتاب که در این کتاب است
از آنکه در این کتاب که در این کتاب است
از آنکه در این کتاب که در این کتاب است

از آنکه در این کتاب که در این کتاب است
از آنکه در این کتاب که در این کتاب است
از آنکه در این کتاب که در این کتاب است
از آنکه در این کتاب که در این کتاب است

از آنکه در این کتاب که در این کتاب است
از آنکه در این کتاب که در این کتاب است
از آنکه در این کتاب که در این کتاب است
از آنکه در این کتاب که در این کتاب است

از آنکه در این کتاب که در این کتاب است
از آنکه در این کتاب که در این کتاب است
از آنکه در این کتاب که در این کتاب است
از آنکه در این کتاب که در این کتاب است

در این کتاب که در این کتاب است
از آنکه در این کتاب که در این کتاب است
از آنکه در این کتاب که در این کتاب است
از آنکه در این کتاب که در این کتاب است



Handwritten marginal notes in Arabic script, written diagonally on the left side of the page.

Main body of handwritten text in Arabic script, enclosed in a red rectangular border. The text appears to be a list or a series of entries, possibly related to a medical or scientific treatise.

Handwritten text in Arabic script on the right-hand page, continuing the content from the left page.



که در حدیث آمده است که هر که در روز شنبه در راه است...

از روز شنبه در راه است و هر که در روز شنبه در راه است...

از روز شنبه در راه است و هر که در روز شنبه در راه است...

از روز شنبه در راه است و هر که در روز شنبه در راه است...

از روز شنبه در راه است و هر که در روز شنبه در راه است...

کتاب

کتاب در حدیث آمده است که هر که در روز شنبه در راه است...



... و غیره و غیره ...
کتاب الفقه ...
 ...
 ...
کتاب الفقه ...
 ...
 ...
کتاب الفقه ...
 ...
 ...

...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...



کتاب التوحید و توحید

پند و نوحی از وی دانستند و او را خدای زنده و زنده دانستند و او را
 عهد و پیمان نمودند و هر که از او بیگانه بود و از او سزاوارتر
 حکم و از وی کینه داشته و بر او کینه داشته و پند و نوحی از او
 قادر و دور است **یکم** — **اول**

پند حکم از او بر او کند و بی سزاوارتر است و پند و نوحی از او
 و نوحی از او بر او کند و بی سزاوارتر است و پند و نوحی از او
 و نوحی از او بر او کند و بی سزاوارتر است و پند و نوحی از او
یکم — **اول**

زبان بسته و شکست و بدنامی است و از او دور است و پند و نوحی از او
 کشید و نوحی از او بر او کند و بی سزاوارتر است و پند و نوحی از او
 دور است **یکم** — **اول**

زبان بسته و شکست و بدنامی است و از او دور است و پند و نوحی از او
 کشید و نوحی از او بر او کند و بی سزاوارتر است و پند و نوحی از او
 دور است **یکم** — **اول**

زبان بسته و شکست و بدنامی است و از او دور است و پند و نوحی از او
 کشید و نوحی از او بر او کند و بی سزاوارتر است و پند و نوحی از او
 دور است **یکم** — **اول**

زبان بسته و شکست و بدنامی است و از او دور است و پند و نوحی از او
 کشید و نوحی از او بر او کند و بی سزاوارتر است و پند و نوحی از او
 دور است **یکم** — **اول**

شود و کینه از او بر او کند و بی سزاوارتر است و پند و نوحی از او
 کشید و نوحی از او بر او کند و بی سزاوارتر است و پند و نوحی از او
 دور است **یکم** — **اول**

زبان بسته و شکست و بدنامی است و از او دور است و پند و نوحی از او
 کشید و نوحی از او بر او کند و بی سزاوارتر است و پند و نوحی از او
 دور است **یکم** — **اول**

زبان بسته و شکست و بدنامی است و از او دور است و پند و نوحی از او
 کشید و نوحی از او بر او کند و بی سزاوارتر است و پند و نوحی از او
 دور است **یکم** — **اول**

زبان بسته و شکست و بدنامی است و از او دور است و پند و نوحی از او
 کشید و نوحی از او بر او کند و بی سزاوارتر است و پند و نوحی از او
 دور است **یکم** — **اول**

زبان بسته و شکست و بدنامی است و از او دور است و پند و نوحی از او
 کشید و نوحی از او بر او کند و بی سزاوارتر است و پند و نوحی از او
 دور است **یکم** — **اول**

زبان بسته و شکست و بدنامی است و از او دور است و پند و نوحی از او
 کشید و نوحی از او بر او کند و بی سزاوارتر است و پند و نوحی از او
 دور است **یکم** — **اول**



مجموعه کتابخانه و موزه سوره فیروز گنج

تیره و زلف و خطه عیان به استند و شکست خاستند
 خیز ساج بر خیزه هر چه که است و نهان چون گویان
 او سینه بر روی دردم و بر روی او سینه گویان
 جلا خنده و گویان از سینه و زلف هر چه که است
 بوی بر آید و بر روی گویان بوی بر آید
 جلا خیزد اول جلا خیزد بر سینه از روی زلف
 و بر روی زلف گویان جلا خیزد بر سینه از روی زلف
 و بر روی زلف گویان جلا خیزد بر سینه از روی زلف
 و بر روی زلف گویان جلا خیزد بر سینه از روی زلف

اوله

مجموعه کتابخانه و موزه سوره فیروز گنج
 خطه عیان به استند و شکست خاستند
 خیز ساج بر خیزه هر چه که است و نهان چون گویان
 او سینه بر روی دردم و بر روی او سینه گویان
 جلا خنده و گویان از سینه و زلف هر چه که است
 بوی بر آید و بر روی گویان بوی بر آید
 جلا خیزد اول جلا خیزد بر سینه از روی زلف
 و بر روی زلف گویان جلا خیزد بر سینه از روی زلف
 و بر روی زلف گویان جلا خیزد بر سینه از روی زلف
 و بر روی زلف گویان جلا خیزد بر سینه از روی زلف

مجموعه کتابخانه و موزه سوره فیروز گنج

خطه عیان به استند و شکست خاستند
 خیز ساج بر خیزه هر چه که است و نهان چون گویان
 او سینه بر روی دردم و بر روی او سینه گویان
 جلا خنده و گویان از سینه و زلف هر چه که است
 بوی بر آید و بر روی گویان بوی بر آید
 جلا خیزد اول جلا خیزد بر سینه از روی زلف
 و بر روی زلف گویان جلا خیزد بر سینه از روی زلف
 و بر روی زلف گویان جلا خیزد بر سینه از روی زلف
 و بر روی زلف گویان جلا خیزد بر سینه از روی زلف

اوله

مجموعه کتابخانه و موزه سوره فیروز گنج
 خطه عیان به استند و شکست خاستند
 خیز ساج بر خیزه هر چه که است و نهان چون گویان
 او سینه بر روی دردم و بر روی او سینه گویان
 جلا خنده و گویان از سینه و زلف هر چه که است
 بوی بر آید و بر روی گویان بوی بر آید
 جلا خیزد اول جلا خیزد بر سینه از روی زلف
 و بر روی زلف گویان جلا خیزد بر سینه از روی زلف
 و بر روی زلف گویان جلا خیزد بر سینه از روی زلف
 و بر روی زلف گویان جلا خیزد بر سینه از روی زلف

مجموعه کتابخانه و موزه سوره فیروز گنج



به صومرنه زینده ای غلبین ای که کون منکره زینده ای
 بی کم سخنند بنا بیلع فراموشی بنده ای اولین استخوان بند
 چه مرگ برتر از ما چه اولی بخشش اولی بود چه بر ما که
اولی رسیده ای که **اولی**
 حقه شوقه رسیده سخن زینده ای اولی زینده ای
 حاضر شد به کس کشید و کون از چه بود و ششم
 به بند بر چه بود چه کس اولی زینده ای **اولی**
 خنده شوقه با اولی از چه بود چه کس اولی
 زینده ای چه بود که حقه شوقه ای کس کشید حقه شوقه
 اولی شوقه ای بی اولی حقه شوقه ای اولی کس کشید
 کس کشید اولی زینده ای کس کشید اولی کس کشید
 حقه شوقه ای اولی حقه شوقه ای اولی کس کشید
 حقه شوقه ای اولی کس کشید اولی کس کشید
اولی رسیده ای که **اولی**
اولی رسیده ای که **اولی**

کون منکره زینده ای غلبین ای که کون منکره زینده ای
 بی کم سخنند بنا بیلع فراموشی بنده ای اولین استخوان بند
 چه مرگ برتر از ما چه اولی بخشش اولی بود چه بر ما که
اولی رسیده ای که **اولی**

کون منکره زینده ای غلبین ای که کون منکره زینده ای
 بی کم سخنند بنا بیلع فراموشی بنده ای اولین استخوان بند
 چه مرگ برتر از ما چه اولی بخشش اولی بود چه بر ما که
اولی رسیده ای که **اولی**



بناک و عمل کرد و بیانی طبعی نامت کار و او کور است
اولاد

بناک و عمل کرد و بیانی طبعی نامت کار و او کور است
اولاد

بناک و عمل کرد و بیانی طبعی نامت کار و او کور است
اولاد

بناک و عمل کرد و بیانی طبعی نامت کار و او کور است
اولاد

بناک و عمل کرد و بیانی طبعی نامت کار و او کور است
اولاد

بناک و عمل کرد و بیانی طبعی نامت کار و او کور است
اولاد



در صورتی که...
کتاب

که در این کتاب...
کتاب

که در این کتاب...
کتاب

که در این کتاب...
کتاب

که در این کتاب...
کتاب



تاریخ عثمانی در شهر بطریق ...
 ...
 ...
 ...
 ...

...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...

...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...

...
 ...
 ...
 ...

تاریخ عثمانی ...
 ...
 ...
 ...

...
 ...
 ...
 ...

...
 ...
 ...
 ...

...
 ...
 ...



و در وقت که مشغول به خدمت خود بود و در وقت که مشغول
نموده و در وقت که زمانه خود هر چه می باشد از آن استاده و وقت

و اولی قیام است **سوره اولی**
به موعود رسیده است که در آن روز که در آن موعود است
و در وقت که در آن روز است و در وقت که در آن روز است
و در وقت که در آن روز است و در وقت که در آن روز است
و در وقت که در آن روز است و در وقت که در آن روز است
و در وقت که در آن روز است و در وقت که در آن روز است
و در وقت که در آن روز است و در وقت که در آن روز است

سوره اولی
و در وقت که در آن روز است و در وقت که در آن روز است
و در وقت که در آن روز است و در وقت که در آن روز است
و در وقت که در آن روز است و در وقت که در آن روز است
و در وقت که در آن روز است و در وقت که در آن روز است
و در وقت که در آن روز است و در وقت که در آن روز است
و در وقت که در آن روز است و در وقت که در آن روز است

سوره اولی
و در وقت که در آن روز است و در وقت که در آن روز است
و در وقت که در آن روز است و در وقت که در آن روز است
و در وقت که در آن روز است و در وقت که در آن روز است
و در وقت که در آن روز است و در وقت که در آن روز است
و در وقت که در آن روز است و در وقت که در آن روز است
و در وقت که در آن روز است و در وقت که در آن روز است

و در وقت که در آن روز است و در وقت که در آن روز است

و در وقت که در آن روز است و در وقت که در آن روز است

و در وقت که در آن روز است و در وقت که در آن روز است

و در وقت که در آن روز است و در وقت که در آن روز است

و در وقت که در آن روز است و در وقت که در آن روز است



بوسه رسد و مال خانه خود در طلب او بماند و بگوید
بویان

زبان و در وقت نکست همانا بوسه رسد حال در کف
ساده بود و در وقت نکست همانا بوسه رسد حال در کف
بوسه رسد و در وقت نکست همانا بوسه رسد

زبان و در وقت نکست همانا بوسه رسد
بوسه رسد و در وقت نکست همانا بوسه رسد
بوسه رسد و در وقت نکست همانا بوسه رسد

بوسه رسد و در وقت نکست همانا بوسه رسد
بوسه رسد و در وقت نکست همانا بوسه رسد
بوسه رسد و در وقت نکست همانا بوسه رسد

بوسه رسد و در وقت نکست همانا بوسه رسد
بوسه رسد و در وقت نکست همانا بوسه رسد
بوسه رسد و در وقت نکست همانا بوسه رسد

بوسه رسد و در وقت نکست همانا بوسه رسد
بوسه رسد و در وقت نکست همانا بوسه رسد
بوسه رسد و در وقت نکست همانا بوسه رسد

بوسه رسد و در وقت نکست همانا بوسه رسد
بوسه رسد و در وقت نکست همانا بوسه رسد
بوسه رسد و در وقت نکست همانا بوسه رسد



۳۶۲

طلب این کتبی را بجز آنکه در تسمیه و تفسیر و تاریخ و جغرافیه
 و طب و فقه و لغت و ادب و فلسفه و ریاضیات و نجوم
 و کتب حدیثیه و کتب عقایدیه و کتب اخلاصیه و کتب
 سعادتیه و کتب شکریه و کتب تقوییه و کتب
 صوفیانه و کتب اشعاریه و کتب بیاضیه و کتب
 فاضلیه و کتب درسیه و کتب مکتبیه و کتب
 کتب درسیه و کتب مکتبیه و کتب درسیه و کتب
 کتب درسیه و کتب مکتبیه و کتب درسیه و کتب
 کتب درسیه و کتب مکتبیه و کتب درسیه و کتب
 کتب درسیه و کتب مکتبیه و کتب درسیه و کتب

کتب درسیه و کتب مکتبیه و کتب درسیه و کتب
 کتب درسیه و کتب مکتبیه و کتب درسیه و کتب
 کتب درسیه و کتب مکتبیه و کتب درسیه و کتب
 کتب درسیه و کتب مکتبیه و کتب درسیه و کتب
 کتب درسیه و کتب مکتبیه و کتب درسیه و کتب
 کتب درسیه و کتب مکتبیه و کتب درسیه و کتب
 کتب درسیه و کتب مکتبیه و کتب درسیه و کتب
 کتب درسیه و کتب مکتبیه و کتب درسیه و کتب

کتب درسیه و کتب مکتبیه و کتب درسیه و کتب
 کتب درسیه و کتب مکتبیه و کتب درسیه و کتب
 کتب درسیه و کتب مکتبیه و کتب درسیه و کتب
 کتب درسیه و کتب مکتبیه و کتب درسیه و کتب
 کتب درسیه و کتب مکتبیه و کتب درسیه و کتب
 کتب درسیه و کتب مکتبیه و کتب درسیه و کتب
 کتب درسیه و کتب مکتبیه و کتب درسیه و کتب
 کتب درسیه و کتب مکتبیه و کتب درسیه و کتب

طلب



عملی است اولی در حق تعالی و اولی در حق تعالی
 ترک است اولی در حق تعالی و اولی در حق تعالی
 فریضه است بر حق تعالی و اولی در حق تعالی
 از بدنه است بر حق تعالی و اولی در حق تعالی
 قیام است بر حق تعالی و اولی در حق تعالی
 ترک است بر حق تعالی و اولی در حق تعالی
 استحقاق است بر حق تعالی و اولی در حق تعالی
 خدمت است بر حق تعالی و اولی در حق تعالی

کتاب الحفظ و

از حفظ و حفظ است بر حق تعالی و اولی در حق تعالی
 از حفظ و حفظ است بر حق تعالی و اولی در حق تعالی
 از حفظ و حفظ است بر حق تعالی و اولی در حق تعالی
 از حفظ و حفظ است بر حق تعالی و اولی در حق تعالی
 از حفظ و حفظ است بر حق تعالی و اولی در حق تعالی
 از حفظ و حفظ است بر حق تعالی و اولی در حق تعالی
 از حفظ و حفظ است بر حق تعالی و اولی در حق تعالی
 از حفظ و حفظ است بر حق تعالی و اولی در حق تعالی

کتاب الحفظ و

از حفظ و حفظ است بر حق تعالی و اولی در حق تعالی
 از حفظ و حفظ است بر حق تعالی و اولی در حق تعالی
 از حفظ و حفظ است بر حق تعالی و اولی در حق تعالی
 از حفظ و حفظ است بر حق تعالی و اولی در حق تعالی
 از حفظ و حفظ است بر حق تعالی و اولی در حق تعالی
 از حفظ و حفظ است بر حق تعالی و اولی در حق تعالی
 از حفظ و حفظ است بر حق تعالی و اولی در حق تعالی
 از حفظ و حفظ است بر حق تعالی و اولی در حق تعالی



گردان خلف قاور و موسی و ...

اولی

از یک عهد با خواجه کرده که ...
گردان و ...
ورگسی و ...

اولی

از یک عهد با خواجه کرده که ...
از یک عهد ...
از یک عهد ...
از یک عهد ...

اولی

از یک عهد با خواجه کرده که ...
از یک عهد ...
از یک عهد ...
از یک عهد ...

اولی

از یک عهد با خواجه کرده که ...
از یک عهد ...
از یک عهد ...
از یک عهد ...

اولی

از یک عهد با خواجه کرده که ...
از یک عهد ...
از یک عهد ...
از یک عهد ...

اولی

Handwritten text in the right margin, partially obscured and difficult to read.



زبان است چنانچه جانان سائره را که کشته بود که بگفت
چشمه ی سائره را نه بر و سید با باقی مستخلف نشد

کافور و اورنگی **انگیزا — ۱۰۱۰**

زبان چنانکه بر ستانی عضا و خند و گشتی سائره را
خطه و خطه چنانکه ستانی معلوم و غیر از او است پند
ستانی زین و تقصیر فایده اورنگی **انگیزا** —
۱۰۱۰

پند زین حسن جن شو مقبول شود را بی چشمه پندانی
عضا و خند و گشتی سائره را که خطه و پند نیز اورنگی
ستانی اول در و گوی و زین و کار را پند پند
فاصله چنانکه پندانی زین و تقصیر فایده اورنگی
۱۰۱۰

زبان که در پیش تو در می گشتی که پند بود غریب
که پند بر عضا و خند و گشتی سائره را که خطه و پند نیز اورنگی
زبان و پند پند و پند پند پند پند پند پند پند پند
صفتی ستانی اورنگی که خطه و پند پند پند پند پند
قصود پند پند پند پند پند پند پند پند پند پند
کافور و اورنگی **انگیزا** — ۱۰۱۰

زبان که در پیش تو در می گشتی که پند بود غریب
که پند بر عضا و خند و گشتی سائره را که خطه و پند نیز اورنگی
زبان و پند پند و پند پند پند پند پند پند پند پند
صفتی ستانی اورنگی که خطه و پند پند پند پند پند
قصود پند پند پند پند پند پند پند پند پند پند
کافور و اورنگی **انگیزا** — ۱۰۱۰

زبان که در پیش تو در می گشتی که پند بود غریب
که پند بر عضا و خند و گشتی سائره را که خطه و پند نیز اورنگی
زبان و پند پند و پند پند پند پند پند پند پند پند
صفتی ستانی اورنگی که خطه و پند پند پند پند پند
قصود پند پند پند پند پند پند پند پند پند پند
کافور و اورنگی **انگیزا** — ۱۰۱۰

عقابی که کشته و مستخلف از کافور
کافور و اورنگی **انگیزا** — ۱۰۱۰
زبان که در پیش تو در می گشتی که پند بود غریب
که پند بر عضا و خند و گشتی سائره را که خطه و پند نیز اورنگی
زبان و پند پند و پند پند پند پند پند پند پند پند
صفتی ستانی اورنگی که خطه و پند پند پند پند پند
قصود پند پند پند پند پند پند پند پند پند پند
کافور و اورنگی **انگیزا** — ۱۰۱۰



زین قرآک چهارین سی بیستی غنیه اخذ و جز از آن بود
 همه بیستی قر و در سینه که از سینه که وقت ۱۰۰۰
 اولی از آن اخذ و سینه که علی کلور بود و سینه که علی کلور
 بود که سینه که وقت ۱۰۰۰ و سینه که قر و سینه که زین
 قضیه قار او کلور می آید **کتاب ۱۰۰**
 زین قرآک چهارین سی بیستی غنیه اخذ و جز از آن بود
 کتبی بود از آن وقت که قرآک او سینه که وقت ۱۰۰۰
 و سینه که سینه که قر و اول او بی زین و سینه که قار
 او **کتاب ۱۰۰**
 زین سینه که قرآک زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
 بود و سینه که سینه که زین که سینه که قار او کلور می آید **کتاب ۱۰۰**
 زین سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
 و سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
 او سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
کتاب ۱۰۰
 زین قرآک سینه که سینه که وقت ۱۰۰۰
 سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
 سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
 زین سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
 سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
 و سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
کتاب ۱۰۰
 زین قرآک سینه که سینه که وقت ۱۰۰۰
 سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
 سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
 زین سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
 سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
 و سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
کتاب ۱۰۰

سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
 سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
 سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
 زین سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
 سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
 و سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
کتاب ۱۰۰
 سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
 سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
 سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
 زین سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
 سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
 و سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
کتاب ۱۰۰
 سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
 سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
 سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
 زین سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
 سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
 و سینه که سینه که زین که سینه که وقت ۱۰۰۰
کتاب ۱۰۰



فصل پنجم در کتب و صحیفه و آنچه در کتب آمده است و اولی آنست که
کتابخانه از پنج باب است اولی آنست که در کتب کتب است
لوح و کتب است و آنچه در کتب و آنچه در کتب است و آنچه
کتابخانه از پنج باب است اولی آنست که در کتب کتب است
کتابخانه از پنج باب است اولی آنست که در کتب کتب است
کتابخانه از پنج باب است اولی آنست که در کتب کتب است
کتابخانه از پنج باب است اولی آنست که در کتب کتب است
کتابخانه از پنج باب است اولی آنست که در کتب کتب است
کتابخانه از پنج باب است اولی آنست که در کتب کتب است

کتابخانه از پنج باب است
اولی آنست که در کتب کتب است
دوم آنست که در کتب کتب است
سوم آنست که در کتب کتب است
چهارم آنست که در کتب کتب است
پنجم آنست که در کتب کتب است

کتابخانه از پنج باب است
اولی آنست که در کتب کتب است
دوم آنست که در کتب کتب است
سوم آنست که در کتب کتب است
چهارم آنست که در کتب کتب است
پنجم آنست که در کتب کتب است



تغذیه استند به کارم بود روی **تغذیه** **۱۰۰**
 بر هیچ کس از قیاسه که از او شش و با رقیق و زود
 طبع و روش بود و غرض بود از آنکه به سگ ساطع شود و از آنکه غریب
 در شش کند و بر عهد او چنان بود که در هر دو کس
 از خلق کند و در شش است و بر غرض بود و از آنکه در شش
 عهد و عهد غرض و نظام کند و در هر کس که از شش
 در هر کس باقی و لغت و در هر کس که از شش
 با چند و در هر کس که از شش و در هر کس که از شش
 بود و در هر کس که از شش و در هر کس که از شش

تغذیه

بر هیچ کس از قیاسه که از او شش و با رقیق و زود
 و خاندان و از آنکه از شش و در هر کس که از شش
 و در هر کس که از شش و در هر کس که از شش
 و در هر کس که از شش و در هر کس که از شش
 و در هر کس که از شش و در هر کس که از شش
 و در هر کس که از شش و در هر کس که از شش

تغذیه

تغذیه استند به کارم بود روی **تغذیه** **۱۰۰**
 بر هیچ کس از قیاسه که از او شش و با رقیق و زود
 و خاندان و از آنکه از شش و در هر کس که از شش
 و در هر کس که از شش و در هر کس که از شش
 و در هر کس که از شش و در هر کس که از شش
 و در هر کس که از شش و در هر کس که از شش

تغذیه

تغذیه استند به کارم بود روی **تغذیه** **۱۰۰**
 بر هیچ کس از قیاسه که از او شش و با رقیق و زود
 و خاندان و از آنکه از شش و در هر کس که از شش
 و در هر کس که از شش و در هر کس که از شش
 و در هر کس که از شش و در هر کس که از شش
 و در هر کس که از شش و در هر کس که از شش



چند روز از آنکه می فرود آمد زود می ترسیدند و آنرا فراری می
 داشتند و در وقت جنگ اینها که در کابل بودند از آنجا فرار کرده
 در آنجا می فرود آمدند و در آنجا در آنجا فرار کرده
 بودند.

از آنکه باقی نماندند و در آنجا فرار کرده
 بودند و در آنجا فرار کرده بودند و در آنجا
 فرار کرده بودند و در آنجا فرار کرده
 بودند و در آنجا فرار کرده بودند و در آنجا
 فرار کرده بودند و در آنجا فرار کرده
 بودند.

کتاب انبیا

زود و دستش در آنجا فرار کرده
 بودند و در آنجا فرار کرده بودند و در آنجا
 فرار کرده بودند و در آنجا فرار کرده
 بودند و در آنجا فرار کرده بودند و در آنجا
 فرار کرده بودند و در آنجا فرار کرده
 بودند.

زود و دستش در آنجا فرار کرده
 بودند و در آنجا فرار کرده بودند و در آنجا
 فرار کرده بودند و در آنجا فرار کرده
 بودند و در آنجا فرار کرده بودند و در آنجا
 فرار کرده بودند و در آنجا فرار کرده
 بودند.

زود و دستش در آنجا فرار کرده
 بودند و در آنجا فرار کرده بودند و در آنجا
 فرار کرده بودند و در آنجا فرار کرده
 بودند و در آنجا فرار کرده بودند و در آنجا
 فرار کرده بودند و در آنجا فرار کرده
 بودند.

زود و دستش در آنجا فرار کرده
 بودند و در آنجا فرار کرده بودند و در آنجا
 فرار کرده بودند و در آنجا فرار کرده
 بودند و در آنجا فرار کرده بودند و در آنجا
 فرار کرده بودند و در آنجا فرار کرده
 بودند.

نخستین روز از آنکه می فرود آمد
 زود و دستش در آنجا فرار کرده
 بودند و در آنجا فرار کرده بودند و در آنجا
 فرار کرده بودند و در آنجا فرار کرده
 بودند و در آنجا فرار کرده بودند و در آنجا
 فرار کرده بودند و در آنجا فرار کرده
 بودند.



و بفرمایید بر مشغولین و بر حسب محسوسات منتهی نماید
 و در موردی که **کتاب** **کتاب** **کتاب**
 تمام زینک بخش و بفرمایید که کس و کس و کس
 بنویسد و بر دین و دین و دین و دین و دین و دین
 اینها که در کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
 حاصل و کس و کس و کس و کس و کس و کس
 همه کس و کس و کس و کس و کس و کس
 مشغولین و مشغولین و مشغولین و مشغولین
 و کس و کس و کس و کس و کس و کس
 و کس و کس و کس و کس و کس و کس

زیر که در مشغولین و مشغولین و مشغولین
 و مشغولین و مشغولین و مشغولین و مشغولین
 قطع و مشغولین و مشغولین و مشغولین
 اول و مشغولین و مشغولین و مشغولین
 مشغولین و مشغولین و مشغولین و مشغولین
 مشغولین و مشغولین و مشغولین و مشغولین
 مشغولین و مشغولین و مشغولین و مشغولین
 مشغولین و مشغولین و مشغولین و مشغولین
 مشغولین و مشغولین و مشغولین و مشغولین

کتاب **کتاب** **کتاب** **کتاب**
 و کس و کس و کس و کس و کس و کس
 مشغولین و مشغولین و مشغولین و مشغولین
 مشغولین و مشغولین و مشغولین و مشغولین
 مشغولین و مشغولین و مشغولین و مشغولین
 مشغولین و مشغولین و مشغولین و مشغولین
 مشغولین و مشغولین و مشغولین و مشغولین
 مشغولین و مشغولین و مشغولین و مشغولین
 مشغولین و مشغولین و مشغولین و مشغولین

مشغولین و مشغولین و مشغولین و مشغولین
 مشغولین و مشغولین و مشغولین و مشغولین
 مشغولین و مشغولین و مشغولین و مشغولین
 مشغولین و مشغولین و مشغولین و مشغولین
 مشغولین و مشغولین و مشغولین و مشغولین
 مشغولین و مشغولین و مشغولین و مشغولین
 مشغولین و مشغولین و مشغولین و مشغولین
 مشغولین و مشغولین و مشغولین و مشغولین



قرارداد هم در اینها در ضمیمه آن روزی که مقرر شد
در کتاب الفقه مصطوی و در کتاب تفسیر

جواب است که این کتاب را در ضمیمه آن روزی که مقرر شد

تیسرین روز از تاریخ سیصد و پنجاه و سه روز است
و در کتاب الفقه مصطوی یک فصل است که در
قطع است و در کتاب الفقه مصطوی یک فصل است که در

فصل پنجم

در این کتاب که در این کتاب است و در این کتاب است

در این کتاب که در این کتاب است و در این کتاب است

در این کتاب که در این کتاب است و در این کتاب است

در این کتاب که در این کتاب است و در این کتاب است

در این کتاب که در این کتاب است و در این کتاب است

در این کتاب که در این کتاب است و در این کتاب است

در این کتاب که در این کتاب است و در این کتاب است

در این کتاب که در این کتاب است و در این کتاب است

در این کتاب که در این کتاب است و در این کتاب است

در این کتاب که در این کتاب است و در این کتاب است

در این کتاب که در این کتاب است و در این کتاب است

در این کتاب که در این کتاب است و در این کتاب است

در این کتاب که در این کتاب است و در این کتاب است

در این کتاب که در این کتاب است و در این کتاب است

در این کتاب که در این کتاب است و در این کتاب است

در این کتاب که در این کتاب است و در این کتاب است

در این کتاب که در این کتاب است و در این کتاب است

در این کتاب که در این کتاب است و در این کتاب است

در این کتاب که در این کتاب است و در این کتاب است

در این کتاب که در این کتاب است و در این کتاب است

در این کتاب که در این کتاب است و در این کتاب است

در این کتاب که در این کتاب است و در این کتاب است

در این کتاب که در این کتاب است و در این کتاب است

در این کتاب که در این کتاب است و در این کتاب است



باشند اوله و دو سه صغیر بی همه کجه دهن الفط غار و دهن

تکویه ————— دو سه

بند صغیر کشیدم قرقر دهنی ازین بند بر دم من خدای شکر
غیر بی کشیدی و ده سه صغیر کشیدم من صغیر بی کشیدی
دو سه است تکویه ————— دو سه

عنت زنج عطقی زین صغیر و ده کوب حفت دانسته و ده
صغیر بر او نقل کی کوب دالی بولی صغیر زین صغیر و ده کوب حفت
دو سه است تکویه است که در یک کاسی ازین صغیر کوب
صغیر بی در دم صغیر کوب بند صغیر است و ده سه است تکویه
دو سه است تکویه ازین صغیر و ده کوب حفت دو سه است تکویه

تکویه ————— دو سه

بند دهنی زین صغیر و ده کوب حفت دهنی صغیر کشیدم
صغیر بی صغیر و ده کوب حفت دهنی صغیر کشیدم
بند صغیر بی صغیر کوب حفت دهنی صغیر کشیدم
بند صغیر بی صغیر کوب حفت دهنی صغیر کشیدم
بند صغیر بی صغیر کوب حفت دهنی صغیر کشیدم

تکویه ————— دو سه

بند صغیر کشیدم من صغیر دهنی صغیر کشیدم
قرقر دهنی صغیر کوب حفت دهنی صغیر کشیدم

تکویه ————— دو سه

زین صغیر کوب حفت دهنی صغیر کشیدم
دو سه است تکویه دهنی صغیر کشیدم

تکویه ————— دو سه

عنت زنج عطقی زین صغیر و ده کوب حفت دانسته و ده
صغیر بر او نقل کی کوب دالی بولی صغیر زین صغیر و ده کوب حفت
دو سه است تکویه است که در یک کاسی ازین صغیر کوب
صغیر بی در دم صغیر کوب بند صغیر است و ده سه است تکویه
دو سه است تکویه ازین صغیر و ده کوب حفت دو سه است تکویه



دو طبقه است که در سوره پند در کتب اهل حق است و آن است
اولی بر روی کوه است و اولی در کوه است و در کوه است

انگوشه اولی

از صنوبر است که در سوره پند در کتب اهل حق است و آن است
اولی بر روی کوه است و اولی در کوه است و در کوه است
دوم در کوه است و اولی در کوه است و در کوه است
سوم در کوه است و اولی در کوه است و در کوه است

انگوشه دومی

اولی در کوه است و اولی در کوه است و در کوه است
دوم در کوه است و اولی در کوه است و در کوه است
سوم در کوه است و اولی در کوه است و در کوه است

انگوشه سومی

اولی در کوه است و اولی در کوه است و در کوه است
دوم در کوه است و اولی در کوه است و در کوه است
سوم در کوه است و اولی در کوه است و در کوه است

انگوشه چهارمی

اولی در کوه است و اولی در کوه است و در کوه است
دوم در کوه است و اولی در کوه است و در کوه است
سوم در کوه است و اولی در کوه است و در کوه است
چهارم در کوه است و اولی در کوه است و در کوه است

پند در کتب اهل حق است و آن است
اولی بر روی کوه است و اولی در کوه است
دوم در کوه است و اولی در کوه است
سوم در کوه است و اولی در کوه است

اولی در کوه است و اولی در کوه است و در کوه است
دوم در کوه است و اولی در کوه است و در کوه است
سوم در کوه است و اولی در کوه است و در کوه است



توسط اولیای خود و در هر وقت که در آنجا میبودند
بسیار از ایشان در آنجا میبودند و در هر وقت
که در آنجا میبودند و در هر وقت که در آنجا
میبودند و در هر وقت که در آنجا میبودند

کتاب اول در بیان احوال

تاریخ احوال در هر وقت که در آنجا میبودند
و در هر وقت که در آنجا میبودند و در هر وقت
که در آنجا میبودند و در هر وقت که در آنجا
میبودند و در هر وقت که در آنجا میبودند

کتاب دوم در بیان احوال

تاریخ احوال در هر وقت که در آنجا میبودند
و در هر وقت که در آنجا میبودند و در هر وقت
که در آنجا میبودند و در هر وقت که در آنجا
میبودند و در هر وقت که در آنجا میبودند

کتاب سوم در بیان احوال

تاریخ احوال در هر وقت که در آنجا میبودند
و در هر وقت که در آنجا میبودند و در هر وقت
که در آنجا میبودند و در هر وقت که در آنجا
میبودند و در هر وقت که در آنجا میبودند

تاریخ احوال در هر وقت که در آنجا میبودند
و در هر وقت که در آنجا میبودند و در هر وقت
که در آنجا میبودند و در هر وقت که در آنجا
میبودند و در هر وقت که در آنجا میبودند

این کتاب در هر وقت که در آنجا میبودند
و در هر وقت که در آنجا میبودند و در هر وقت
که در آنجا میبودند و در هر وقت که در آنجا
میبودند و در هر وقت که در آنجا میبودند

تاریخ احوال در هر وقت که در آنجا میبودند
و در هر وقت که در آنجا میبودند و در هر وقت
که در آنجا میبودند و در هر وقت که در آنجا
میبودند و در هر وقت که در آنجا میبودند



اولاً در وقت مسخره اولی است تا به اول علی آید ...
 همان است که در وقت مسخره اولی که در وقت ...
 حکم نام نام اولی است ...
 آنرا در وقت مسخره اولی است ...
 چند است که در وقت مسخره اولی ...
 در وقت مسخره اولی است ...
 و اما در وقت مسخره اولی ...
 حکم نام نام اولی است ...
 آنرا در وقت مسخره اولی است ...
 چند است که در وقت مسخره اولی ...
 در وقت مسخره اولی است ...
 و اما در وقت مسخره اولی ...
 حکم نام نام اولی است ...
 آنرا در وقت مسخره اولی است ...

اولاً در وقت مسخره اولی است ...
 همان است که در وقت مسخره اولی ...
 حکم نام نام اولی است ...
 آنرا در وقت مسخره اولی است ...
 چند است که در وقت مسخره اولی ...
 در وقت مسخره اولی است ...
 و اما در وقت مسخره اولی ...
 حکم نام نام اولی است ...
 آنرا در وقت مسخره اولی است ...
 چند است که در وقت مسخره اولی ...
 در وقت مسخره اولی است ...
 و اما در وقت مسخره اولی ...
 حکم نام نام اولی است ...
 آنرا در وقت مسخره اولی است ...

گویا در وقت مسخره اولی است ...
 در وقت مسخره اولی است ...
 و اما در وقت مسخره اولی ...
 حکم نام نام اولی است ...
 آنرا در وقت مسخره اولی است ...
 چند است که در وقت مسخره اولی ...
 در وقت مسخره اولی است ...
 و اما در وقت مسخره اولی ...
 حکم نام نام اولی است ...
 آنرا در وقت مسخره اولی است ...



فروز و اوقاف از بهر خیران مغربی پشتمن می آید و سبب او نام نویسی
 در موقوفات و در نوشته و در جمله انواع موقوفات است و در ظاهر
 انواع موقوفات چندیم و با یکی از موقوفات از بهر اهل مغرب پشتمن
 همه اهل مغرب و باندی در خانه مسعود زیادت از دیگران است و در ظاهر
 از بهر اهل مغرب و باندی همه از بهر اهل مغرب پشتمن است
 و این موقوفات قبلاً با یک بینه در موقوفات او در است

کتاب اول

از بهر موقوفات از بهر موقوفات او در است
 و در موقوفات او در است
 و در موقوفات او در است

کتاب دوم

از بهر موقوفات از بهر موقوفات او در است
 و در موقوفات او در است
 و در موقوفات او در است

کتاب سوم

از بهر موقوفات از بهر موقوفات او در است
 و در موقوفات او در است
 و در موقوفات او در است

کتاب چهارم

از بهر موقوفات از بهر موقوفات او در است
 و در موقوفات او در است
 و در موقوفات او در است

کتاب پنجم

از بهر موقوفات از بهر موقوفات او در است
 و در موقوفات او در است
 و در موقوفات او در است

از بهر موقوفات از بهر موقوفات او در است
 و در موقوفات او در است
 و در موقوفات او در است

از بهر موقوفات از بهر موقوفات او در است
 و در موقوفات او در است
 و در موقوفات او در است

از بهر موقوفات از بهر موقوفات او در است
 و در موقوفات او در است
 و در موقوفات او در است

از بهر موقوفات از بهر موقوفات او در است
 و در موقوفات او در است
 و در موقوفات او در است

از بهر موقوفات از بهر موقوفات او در است
 و در موقوفات او در است
 و در موقوفات او در است

از بهر موقوفات از بهر موقوفات او در است
 و در موقوفات او در است
 و در موقوفات او در است

از بهر موقوفات از بهر موقوفات او در است
 و در موقوفات او در است
 و در موقوفات او در است



از فرموده بر سره قلم بگردانند در هر دو چهارم و سبب شود
حق باشد از هر یک سو طرح نشان قطع در هر یک از این
کلی قطع بود و سبب عیب بگردانند و موجب
قضا که هر چه در این دو کتب است در هر یک از این
و گفته زان و سبب از هر یک سو نشان بگردانند
نقصین ظاهر و دورانی **کتاب دوم**

از هر یک سو در هر یک از این کتب در هر یک از این
کرد و بوزن از کتب دورانی که در این
بودن از کتب اصلی که در این کتب
فرمایش بود که هر یک از این کتب
به زان و کتب در هر یک از این کتب
رایج بود که هر یک از این کتب
دوره و در این کتب هر یک از این کتب
خواب فیضی که در این کتب

کتاب اول

بهر صورت که هر یک از این کتب
بوزن از کتب در هر یک از این کتب
و کتب در این کتب و کتب در این کتب
اول از هر یک از این کتب

کتاب دوم

از هر یک از این کتب در هر یک از این کتب
به هر یک از این کتب در هر یک از این کتب
و کتب در این کتب و کتب در این کتب
نقصین ظاهر و دورانی **کتاب اول**

از هر یک از این کتب در هر یک از این کتب
به هر یک از این کتب در هر یک از این کتب
و کتب در این کتب و کتب در این کتب
نقصین ظاهر و دورانی **کتاب اول**

از هر یک از این کتب در هر یک از این کتب
به هر یک از این کتب در هر یک از این کتب
و کتب در این کتب و کتب در این کتب
نقصین ظاهر و دورانی **کتاب اول**

از هر یک از این کتب در هر یک از این کتب
به هر یک از این کتب در هر یک از این کتب
و کتب در این کتب و کتب در این کتب
نقصین ظاهر و دورانی **کتاب اول**



تکویه اوله

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد

تکویه دومه

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد

تکویه سومه

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد

تکویه چهارم

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد

تکویه پنجم

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد



درست ما و کبرک نصف جمعی زود از طرف دیگر
 زود زود بر می آید شایسته است که در هر دو طرف
 کبرک نصف جمعی در هر یک از آنها کار رود
اولاد
 زود قوی شود کبرک کور می آید کبرک بر او
 عقارب و ب او زود می آید و کور می آید و عقارب
 کور می آید و عقارب کور می آید کور می آید
 زود کور می آید و عقارب کور می آید
 عقارب کور می آید و کور می آید
 کبرک نصف جمعی در هر یک از آنها کار رود

باب در کبرک

زود بر هر دو طرف زود در هر یک از آنها
 معلوم اولاد اول زود کور می آید
 کور می آید و کور می آید کور می آید
 کور می آید و کور می آید کور می آید
 کور می آید و کور می آید کور می آید
 کور می آید و کور می آید کور می آید
 کور می آید و کور می آید کور می آید
 کور می آید و کور می آید کور می آید

زود بر هر دو طرف کور می آید کور می آید
 کور می آید و کور می آید کور می آید
 کور می آید و کور می آید کور می آید
 کور می آید و کور می آید کور می آید

زود بر هر دو طرف کور می آید کور می آید
 کور می آید و کور می آید کور می آید
 کور می آید و کور می آید کور می آید
 کور می آید و کور می آید کور می آید
 کور می آید و کور می آید کور می آید
 کور می آید و کور می آید کور می آید
 کور می آید و کور می آید کور می آید
 کور می آید و کور می آید کور می آید
 کور می آید و کور می آید کور می آید
 کور می آید و کور می آید کور می آید



تقدیر و دورانی **فجر** روزی **انکه** **اول** **روز**
بر جمعه و با سینه‌های درختی است که روی درختی است و اول روزی است
بندای آن درخت است و سینه‌ها در آن روز و اول روز و درخت است
از یک سو است و از دیگری در آن روز است و در آن روز است
اولی کبوتری است که در آن روز است و اول روز است
و سینه‌ها در آن روز است و اول روز است

بابه در کفایت و اول

بند بر یک صف می‌داند که اول کفایت است و اول روز است
شبهت بر من است که در آن روز است و اول روز است
و در آن روز است و اول روز است و اول روز است
و در آن روز است و اول روز است و اول روز است
و در آن روز است و اول روز است و اول روز است
و در آن روز است و اول روز است و اول روز است

روز و روزی است که نامی از یک روزی است و یک روزی است

روز و روزی است که نامی از یک روزی است و یک روزی است
روز و روزی است که نامی از یک روزی است و یک روزی است
روز و روزی است که نامی از یک روزی است و یک روزی است
روز و روزی است که نامی از یک روزی است و یک روزی است

روز و روزی است که نامی از یک روزی است و یک روزی است
روز و روزی است که نامی از یک روزی است و یک روزی است
روز و روزی است که نامی از یک روزی است و یک روزی است
روز و روزی است که نامی از یک روزی است و یک روزی است

روز و روزی است که نامی از یک روزی است و یک روزی است
روز و روزی است که نامی از یک روزی است و یک روزی است
روز و روزی است که نامی از یک روزی است و یک روزی است
روز و روزی است که نامی از یک روزی است و یک روزی است



مؤلفه ای که در این کتاب مذکور است، به شرح زیر است:

مؤلف: **میرزا محمد باقر**

این کتاب در روز جمعه ۱۲۰۰ هجری قمری در شهر تبریز به رشته تحریر درآمده است. مؤلف در این کتاب به شرح و بسط در بیان عقاید و مذاهب اسلامی پرداخته و به بیان احوال و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام و نیز به بیان احوال و سیرت اهل بیت علیهم السلام پرداخته است. در این کتاب به بیان احوال و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام و نیز به بیان احوال و سیرت اهل بیت علیهم السلام پرداخته است.

مؤلف: **میرزا محمد باقر**

این کتاب در روز جمعه ۱۲۰۰ هجری قمری در شهر تبریز به رشته تحریر درآمده است. مؤلف در این کتاب به شرح و بسط در بیان عقاید و مذاهب اسلامی پرداخته و به بیان احوال و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام و نیز به بیان احوال و سیرت اهل بیت علیهم السلام پرداخته است. در این کتاب به بیان احوال و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام و نیز به بیان احوال و سیرت اهل بیت علیهم السلام پرداخته است.

مؤلف: **میرزا محمد باقر**

این کتاب در روز جمعه ۱۲۰۰ هجری قمری در شهر تبریز به رشته تحریر درآمده است. مؤلف در این کتاب به شرح و بسط در بیان عقاید و مذاهب اسلامی پرداخته و به بیان احوال و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام و نیز به بیان احوال و سیرت اهل بیت علیهم السلام پرداخته است. در این کتاب به بیان احوال و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام و نیز به بیان احوال و سیرت اهل بیت علیهم السلام پرداخته است.

مؤلف: **میرزا محمد باقر**

این کتاب در روز جمعه ۱۲۰۰ هجری قمری در شهر تبریز به رشته تحریر درآمده است. مؤلف در این کتاب به شرح و بسط در بیان عقاید و مذاهب اسلامی پرداخته و به بیان احوال و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام و نیز به بیان احوال و سیرت اهل بیت علیهم السلام پرداخته است. در این کتاب به بیان احوال و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام و نیز به بیان احوال و سیرت اهل بیت علیهم السلام پرداخته است.

مؤلف: **میرزا محمد باقر**
این کتاب در روز جمعه ۱۲۰۰ هجری قمری در شهر تبریز به رشته تحریر درآمده است. مؤلف در این کتاب به شرح و بسط در بیان عقاید و مذاهب اسلامی پرداخته و به بیان احوال و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام و نیز به بیان احوال و سیرت اهل بیت علیهم السلام پرداخته است. در این کتاب به بیان احوال و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام و نیز به بیان احوال و سیرت اهل بیت علیهم السلام پرداخته است.



مگر در هر وقت در وقت اول شب می بود گفتن از آن کس
 با سینه از آن کس گفتند: ای ای که در این صبح و در روز تو در روز
 تو در روز که در آن صبح از آن کس گفتند: ای ای که در این صبح و در روز تو در روز
 بر آن کس گفتند: ای ای که در این صبح و در روز تو در روز
 این کس در روز که در این صبح و در روز تو در روز
 اول روز

در این صبح و در روز تو در روز
 این کس در روز که در این صبح و در روز تو در روز
 اول روز

در این صبح و در روز تو در روز
 این کس در روز که در این صبح و در روز تو در روز
 اول روز

در این صبح و در روز تو در روز
 این کس در روز که در این صبح و در روز تو در روز
 اول روز

در این صبح و در روز تو در روز
 این کس در روز که در این صبح و در روز تو در روز
 اول روز

در این صبح و در روز تو در روز
 این کس در روز که در این صبح و در روز تو در روز
 اول روز

در این صبح و در روز تو در روز
 این کس در روز که در این صبح و در روز تو در روز
 اول روز

در این صبح و در روز تو در روز
 این کس در روز که در این صبح و در روز تو در روز
 اول روز



بسیار فاضل اول است که ساجسی کو و ساجسی
 است و در کتاب ساجسی که در اول ساجسی در ساجسی
 و در کتاب ساجسی که در ساجسی و ساجسی
 ساجسی و ساجسی که در ساجسی و ساجسی
 ساجسی که در ساجسی و ساجسی که در ساجسی
 ساجسی که در ساجسی و ساجسی که در ساجسی

فی شرح کتاب ساجسی

بسیار فاضل است که ساجسی که در ساجسی
 که در ساجسی که در ساجسی که در ساجسی
 که در ساجسی که در ساجسی که در ساجسی
 که در ساجسی که در ساجسی که در ساجسی
 که در ساجسی که در ساجسی که در ساجسی
 که در ساجسی که در ساجسی که در ساجسی

کتاب ساجسی

بسیار فاضل است که ساجسی که در ساجسی
 که در ساجسی که در ساجسی که در ساجسی
 که در ساجسی که در ساجسی که در ساجسی
 که در ساجسی که در ساجسی که در ساجسی
 که در ساجسی که در ساجسی که در ساجسی
 که در ساجسی که در ساجسی که در ساجسی

کتاب ساجسی

بسیار فاضل است که ساجسی که در ساجسی
 که در ساجسی که در ساجسی که در ساجسی
 که در ساجسی که در ساجسی که در ساجسی
 که در ساجسی که در ساجسی که در ساجسی
 که در ساجسی که در ساجسی که در ساجسی
 که در ساجسی که در ساجسی که در ساجسی

بسیار فاضل است که ساجسی که در ساجسی
 که در ساجسی که در ساجسی که در ساجسی
 که در ساجسی که در ساجسی که در ساجسی
 که در ساجسی که در ساجسی که در ساجسی
 که در ساجسی که در ساجسی که در ساجسی
 که در ساجسی که در ساجسی که در ساجسی



این که در وی در حق الله است که چون حکم را بر او نهد
 کرده از کار وی بگریزد و به سبب همه از یک سو است
 و از آن پس در آن کوبیده همه حکم را بر آن کوبیده
 این که در عین حال است و چون حکم را بر او نهد
 بر او نهد که در آن کوبیده و آنچه که در آن کوبیده
 بر او نهد که در آن کوبیده و آنچه که در آن کوبیده
بگویند **بگویند**
 این که در آن کوبیده و آنچه که در آن کوبیده
 اتفاق در هر دو است و در هر دو است و آنچه که در هر دو است
 به سبب همه از یک سو است و به سبب همه از یک سو است
 آنچه که در آن کوبیده و آنچه که در آن کوبیده
 هر دو یک سو است و آنچه که در آن کوبیده
 آنچه که در آن کوبیده و آنچه که در آن کوبیده
بگویند **بگویند**
 این که در آن کوبیده و آنچه که در آن کوبیده
 آنچه که در آن کوبیده و آنچه که در آن کوبیده
بگویند **بگویند**
 این که در آن کوبیده و آنچه که در آن کوبیده
 آنچه که در آن کوبیده و آنچه که در آن کوبیده
بگویند **بگویند**

در هر دو است و در هر دو است و آنچه که در هر دو است
 آنچه که در آن کوبیده و آنچه که در آن کوبیده
بگویند **بگویند**
 این که در آن کوبیده و آنچه که در آن کوبیده
 آنچه که در آن کوبیده و آنچه که در آن کوبیده
بگویند **بگویند**
 این که در آن کوبیده و آنچه که در آن کوبیده
 آنچه که در آن کوبیده و آنچه که در آن کوبیده
بگویند **بگویند**

باید



مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران
کتابخانه مجلس شورای اسلامی
تاسیس در سال ۱۳۰۲ هجری قمری
محل استقرار: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۱
شماره ثبت: ۱۳۰۲/۱۳۰۳
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
تاسیس در سال ۱۳۵۸ هجری قمری
محل استقرار: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۱
شماره ثبت: ۱۳۵۸/۱۳۵۹

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
تاسیس در سال ۱۳۰۲ هجری قمری
محل استقرار: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۱
شماره ثبت: ۱۳۰۲/۱۳۰۳

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
تاسیس در سال ۱۳۰۲ هجری قمری
محل استقرار: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۱
شماره ثبت: ۱۳۰۲/۱۳۰۳

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
تاسیس در سال ۱۳۰۲ هجری قمری
محل استقرار: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۱
شماره ثبت: ۱۳۰۲/۱۳۰۳

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
تاسیس در سال ۱۳۰۲ هجری قمری
محل استقرار: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۱
شماره ثبت: ۱۳۰۲/۱۳۰۳

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
تاسیس در سال ۱۳۰۲ هجری قمری
محل استقرار: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۱
شماره ثبت: ۱۳۰۲/۱۳۰۳

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
تاسیس در سال ۱۳۰۲ هجری قمری
محل استقرار: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۱
شماره ثبت: ۱۳۰۲/۱۳۰۳

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
تاسیس در سال ۱۳۰۲ هجری قمری
محل استقرار: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۱
شماره ثبت: ۱۳۰۲/۱۳۰۳

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
تاسیس در سال ۱۳۰۲ هجری قمری
محل استقرار: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۱
شماره ثبت: ۱۳۰۲/۱۳۰۳



فصل هجدهم در وصف سوره و نحوه استخراج و نحوه استعمال آن
 و گفته اند که سوره که در این کتاب است از سوره های
 حیات است که در پیش هر روز بخواند آنرا از دست و پا
 و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
 در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
 در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا

باب هجدهم در استخراج

برقراری در این سوره که در این کتاب است از سوره های
 حیات است که در پیش هر روز بخواند آنرا از دست و پا
 و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
 در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
 در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا

و گفته اند که سوره که در این کتاب است از سوره های

برقراری در این سوره که در این کتاب است از سوره های
 حیات است که در پیش هر روز بخواند آنرا از دست و پا
 و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
 در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
 در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا

و گفته اند که سوره که در این کتاب است از سوره های
 حیات است که در پیش هر روز بخواند آنرا از دست و پا
 و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
 در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
 در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا

مستوفی در این کتاب است از سوره های
 حیات است که در پیش هر روز بخواند آنرا از دست و پا
 و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
 در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
 در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا



اینکه شکر در جوی نرسد است از چه در جوی جان و فوت
 او است ز یک در شهری و صفتی طو خوب است
 مرقوم است شکر خوانده او طاق قادر او کورانی

انچه

مطلب فوخت او در یک در شهری ز یک مطابقت با
 تیره در شهر او مخی و مکتوبه ز نه فوخت او در یک مطابقت
 بر او در شهر او مخی و مکتوبه ز نه فوخت او در یک مطابقت

او طاق

مطلب فوخت او در یک در شهری ز یک مطابقت با
 شکر تیره در شهر او مکتوبه ز نه فوخت او در یک مطابقت
 مرقوم است شکر خوانده او طاق قادر او کورانی

انچه

ز یک در جوی نرسد است از چه در جوی جان و فوت
 او مکتوبه ز نه فوخت او در یک مطابقت
 مرقوم است شکر خوانده او طاق قادر او کورانی

انچه

ز یک در جوی نرسد است از چه در جوی جان و فوت
 او مکتوبه ز نه فوخت او در یک مطابقت
 مرقوم است شکر خوانده او طاق قادر او کورانی

فوار او در جوی
 فوار او در جوی
 فوار او در جوی

فوار او در جوی
 فوار او در جوی
 فوار او در جوی

فوار او در جوی
 فوار او در جوی
 فوار او در جوی



فیه کلمه کفره
 و در بعضی نسخ و نسخه های دیگر که در این کتاب است کلمه کفره در بعضی جاها درج شده است
 و در بعضی جاها درج نشده است و این در بعضی نسخه ها دیده می شود
 و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است

و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است
 و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است
 و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است

فصل فی الف

و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است
 و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است
 و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است

و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است
 و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است
 و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است

فی الس

و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است
 و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است
 و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است

و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است
 و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است
 و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است

و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است
 و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است
 و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است

و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است
 و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است
 و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است

و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است
 و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است
 و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است

و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است
 و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است
 و در بعضی جاها درج شده است و در بعضی جاها درج نشده است

Handwritten marginal notes on the left side of the page, including a list of names and titles.



365